

و به نستعین بسم الله الرحمن الرحیم

سؤالات جواب که جناب شریعتمآب حجة الله احمد شاه باز

از جناب شریعتمدار رئیس ملت و دولت

کهف الفقراء و اعلم العلماء و المجتهدین

میرزای شیرازی رحمه الله تعالی و حفظه الله

فی جمیع البلیات و الامراض البرکات

سؤال کرده جناب میرزا جواب فرموده

نسخه صحیح است [illegible]

کاتب [illegible]

مسئله زوال عین نجاست از حیوان طاهر

غیر انسان مطهر است یا نه جواب ان شاء الله تعالی

بعد از زوال عین محکوم بطهارت است مسئله

شخصی مدتی نماز جماعت کرده و قصدش

این بود که اگر در رکعت به امام رسد نمازش را

برهم زند نمازش صحیح است یا نه جواب

آنچه عجالتاً بنظر میآید صحیح است ان شاء الله تعالی

مسئله شخصی نماز قضا بر ذمه دارد و حال

قدرت ندارد که خود بکند آیا قبل از فوت

میتواند نایب بگیرد بجهت نمازهای قضا

جواب نمیشود باید بقدر مقدور خود بکند

مسئله شخصی حج بکردن او است و قدرت

و لکن توانائی ندارد که بحج برود آیا میتواند

نایب بگیرد در حیات خود جواب اگر برای او

حج مستقر شده بود و مأیوس است

و نمیتواند برود باید نایب بگیرد مسئله

حوض زمین و آب مباح لیکن یک سمت
حوض با جص و آهک مغصوب درست شده
لیکن در وقت وضو کرفتن در سر حوض
و محل جلوس مباح هست و همچنین محل ریختن
هم مباح هست آیا وضو صحیح است یا باطل
جواب اگر محل وضو و آب ریختن مباح هست
و خارج از حوض و منحصر نیست آب در آب
حوض که اگر بخواهد آب دیگر هست که وضو بگیرد
وضو صحیح است و اگر آب را از حوض در ظرف
دیگر کند اشکالی در صحت وضو نیست
مسئله زمین گچی که باران نمیگیرد و آفتاب

نمیتابد مثل تحت خانه آیا بپاشیدن آب
بر آن تا فرا گیرد و گذاشتن تا بخشکد سه دفعه
پاک است یا نه در ظاهر حوض عدم طهارت میکند
باید پاک تحویل کنند جواب اگر پست است
که غساله در آن بماند پاک نمیشود بآب قلیل و اگر
صلب است دو مرتبه آب بر آن بریزند تا مستولی
شود و هر دفعه غساله اش را بگیرند اگر چه با آنکه
گودالی در یک گوشه اش بکنند که غساله در آن
جمع شود بعد گودال را با خاک طاهر پر کنند والله العالم
مسئله آفتاب زمین را که خشت و آجر و سنگ
فرش کرده است مطهر است یا نه و در را
داروسی و پنجره منصوب در حکم زمین است یا نه

جواب مطهّر همهٔ اینها هست مسئله
آشیاء مایعه مضافه مثل گلاب وشیره امثال
اینها اگر بر وجه تسنیم باشد نجاست از جهت
تفوق سرایت میکند یا نه مسئله از گلاب پاش
بدست کافر گلاب میریختند گلاب پاش
پاکست یا نه جواب سرایت نمیکند والله العالم
مسئله در بلدی عادل بهم نرسد وشقاق
هم بین الزوجین بهم رسید که لابد است
از طرف چه باید کرد و طلاق که اهل سنت
میدهند باین نحو که میگوید مطلق بزوجه
بفارسی که تو زوجهٔ خود را مطلّقه کنیه طلاق
کردی زوج میگوید بفارسی بآیا چه صورت دارد

جواب در طلاق حضور دو عادل معتبر است
علاوه بشرایط دیگر رجوع بسایل دیگر نمائید که عادل
در او باشد و طلاق اهل سنّت شیعه نمیدانند
اکتفا بکنند طلاق بدهد بلی با طلاقی که آنها بطریق
خود آنچه شرع آنها است زنهای خود را طلاق
گویند با سعاله طلاق صحیح میکنند یعنی بعد از انقضای
عدّه تزویج میکنند آن زنها را بجهة خود و بجهة غیر خود
مسئله شخصی میداند که طلاق در حضور عادلین
که داده اند عادل نیستند آیا میتوانند آن ضعیفه را
جهة خود یا جهة غیر عقد نماید یا نه جواب نمیتواند
مسئله بلدی که آب رود خانه آیا هر کس میتواند
حفر نهر نماید و آنرا جهة اراضی خود ببرد بدون اذن

حکم شرعی یا عرف باذن حاکمست جواب
ظاهر اینست که حفر نهر از زمین خانها موقوف
بر اذن حاکم شرع نیست بلکه اگر مانع دیگر نباشد
مسئله نماز صبح شخصی قضا شده است
وقضای دیگر ندارد آیا بعد از نماز ظهر و عصر
قضاء صبحش را بجا آورد و همچنین قضاء ظهر و عصر
بالنسبة بنماز مغرب و عشا جواب لزوم ترتیبش
معلوم نیست اگرچه موافق احتیاط است لیکن
اکتفا به همین نماید در وقت بجا آوردن
قضاها این را نیز در محل خودش بکنند مسئله
در بلدی بعضی اشخاص قائلند که شیعه اگر زنا
ولواط و ترک نماز و سایر معاصی را بکنند چون به هم

بمیرد از اهل نجات است زیرا که شفاعت رسول
خدا ص شامل حال اوست و اگر این مطالب را
مرتکب شود خود از اهل نجات است و محتاج
بشفاعت نخواهد بود آیا با این طایفه مراودات
با رطوبت جایز است یا نه جواب جایز است
چون معلوم نیست این مقاله کفر باشد مسئله
در بلدی ظن نجاست غالب مردم هست
ولی از اجتناب عسر شدید است آیا
هجرت از آن بلد واجبست یا نه جواب بمجرد
مظنه حکم به نجاست نمیتوان نمود مسئله در بلدی
قصاب اهل سنت است وکردن گوسفند را
نمیشوید و همان جاهایی که سر بریده اند پوست

نکنند او قطعه قطعه کرده بخورد شخصی از همان
گوشت طبخ کرده نمیداند که گوشت را تطهیر شرعی
کرده یا نه و شخصی را بضیافت میطلبد آیا خوردن
آن طعام جایز است یا نه جواب بمجرد مظنه
حکم بنجاست نمیتوان نمود مسئلة فی الحلی الطری
عقد جایز است یا نه و فی الحلی الثلاث فی هل یحقق العقد
النطاح ام یجری فی حق المقصود جواب در نکاح
تحلی احتیاط است و در باقی عیب ندارد مسئلة
ظرف ماست بسته خفته موش مرده او میافتد
آیا ماست نجس است یا نه و هکذا روغن بسته
جواب و فضله و بعضی از اطراف او بردارند باقی
پاکست مسئلة جنب که بغاره سی او را جلیاسه
هیکر بینه و ضفدع که بغاره سی قوربغه هیکو سیند

صاحب نقص شده اند یا نه و صحبت ایشان پاکست
یا نجس جواب پاکست مسئلة پس مرغ که نمیدانند
حلال گوشت است یا حرام گوشت با نماز گذار چگونه
است و هکذا استخوان جواب بعید نیست که جایز
باشد اگر چه احتیاط در اجتناب است مسئلة محمول
نجس که در جیب نماز گذار باشد مثل فلوس و درهم
و حمری که نجس باشند چگونه است جواب در آنچه
صدق کند که نماز در آن کرده احتیاط نمایند و آنچه
صدق نمیکند مثل آنکه در تنبان باشد دور نیست
که عیب نداشته باشد مسئلة در واجبات تخییریه
مثل وجوب حمد تنها و تسبیح اربعه در رکعت سیم و چهارم
و ذکر صغیر و کبیر در رکوع و سجود جمع بینهما جایز است
یا نیت یکی را بقصد وجوب و دیگری را بقصد قربت نماید یا نه

جواب جواز ظاهر است در رکوع و سجود لیکن
در حمد و تسبیح احتیاط کنند با اینکه اگر تسبیح خواندند
حمد نخوانند مسئله در نماز وحشت هم عدالت
معتبر است یا نه و به هرکس میتوان داد جواب عدالت
در اصل عمل معتبر نیست چه صحیح بلکه معتبر باشد و فوق
و ظاهر نیست لحصول صفت از نماز کسی که مکلف باشد تحصیل
صلوة بوجه مخصوص که یاد داده اند که تحصیل نماید مسئله
شخصی بعد از سه مرتبه تسبیح اربعه استغفار میکند
در بین استغفار شک میکند که سه مرتبه تسبیح
گفته یا نه باید برگردد یا اینکه بعد از محل است
اعتنا نکنند و همچنین بعد از تکبیر جهت رکوع
شک در سوره جواب در تسبیح محل نیست
که شک بعد از فراغ است بنا بر وجوب سه تسبیح
بلکه مطلقا جرئت در مستحب هم جاری است

و احوط اعتنا بشک است اگر عادتش هم این باشد
که استغفار را بعد از فراغ از تسبیح میخواند لیکن در سوره
و تکبیر بعید نیست که بعد از فراغ باشد مسئله
شخصی قبل از وقت شروع کرد در وضو بقصد قرائت
قرآن مثلاً در بین وضو وقت داخل شد وضو صحیح است
یا نه جواب وضو صحیح است لیکن طفل آماده نماید و فرق
دارد این را تا مسئله نماز خوف و کسوف را قبل از انجلا
باید بخوانند یا بعد از شروع در انجلا یا مطلقا مخیر است
جواب از اول شروع در گرفتن وقت است تا آخر
انجلا اگر چه احوط آنست که قبل از شروع در انجلا بخوانند
و تأخیر نکنند مسئله در بلدی سادات فقیر بسیارند
و سهم سادات کفایت مخارج ایشان نمیکند و در بین
برگاه هم احتمال بلکه ظن تلف است سهم امام را به خارج بلد
جایز است یا باذن وکیل مجتهد بسادات نجات بلد
باید داد بر فرض عدم وجود وکیل چه باید کرد جواب

بگوید کسی لیس نیز مجتهد چه لبنا هست در بلد دیگر
سادات مطهر الله بأن حسنی که اهمّ است با آنها رسانند
مسئله سید بجهة مخارج عروسی یا جهة سواری
به زیارت عتبات میتوانند خمس یا سهم امام بگیرند یا نه
واگر سید مخارج دو ماه خود را دارد میتواند مخارج
دو ماه دیگر را از سهم سادات و سهم امام علیه السلام
بگیرد یا باید صبر کنند تا تمام شود جواب میگیرد در جمیع
صور مزبوره مکروه مسئله سید مخارج سالش خود را
ندارد است اما شهامت عزت آیا میتواند
از مقسم سادات و سهم امام بگیرد و توسعه بر خود بدهد
یا نه جواب بگیرد و توسعه بدهد بدون اسراف
و ترایا ده مرد وی جمع مسئله حوض آب نجس دارد
و سقف پوشیده است لیکن فرجه دارد که باران
بحوض میبارد آیا حوض پاک میشود یا نه جواب

اگر بقدر معتد به باران بحوض بیبارد و در اثنای باریدن
بر هم بزنند آب حوض را که مزج شود پاک میشود مسئله حوض
آب اطراف بیرون آن نجس است بدست آورا
قطره نیز شد که احتمال اصل اخراکیر و یا کسیت یا نه وعلی الفرض الطهارة
هل یلزم التعدد ام لا جواب با استواء سطح یا عدم فروج
از وعده طهارت حاصل میشود در جائی که حاجت
بتعدد است در جاهای دیگر تعدد در اتراک استنکافیله
در اینجا نیز مسئله گربه موش میخورد باغفای عجبی دیگر
واحتمال طهارت هم ندارد آیا بزوال عین پاکست
دهان او یا نه و بر فرض احتمال طهارت هم گربه با ترابات
آب را میخورد نه بدهان فلا تحصل الطهارة بجعلها فکیف
یطهر فمها جواب طاهر است ان شاء الله تعالی مسئله
در غالب بلاد که حمام هست آب جا هست در سر چاه
حوض دارند که است سوار آب میمند آب سنه یج داخل حوض

نیفته زیرا که خفه داکر عزیزت نجس باشد پاک نشود یا نه
جواب باستواء سطح یا صدق وحدت و امتزاج
آب پاکست مسئله اسب و الاغ و امثالهما
که پشت آنها زخم بیفتد و خوب بیفتد آیا پاکست
یا محتاج بتفتیش است و علی الثانی فکیف یعلم جواب
پاکست انشاء الله تعالی مسئله در بلاد بعضی حمامها
دهن شیر دارند از دهان شیر آب میریزد و بزمین
میریزد ولی بدهان شیر متصل است آب جمع شده
پاکست یا نه جواب پاکست مادام که متصل است
مسئله هرگاه زوج فوت شده و یک زوجه ذات
ولد دارد و یک زوجه غیر ذات ولد آیا ثمن چگونه
میبرند و در صورت انحصار بذات ولد آیا
مطلقا از همه مخلفات ثمن میبرد یا فرق بین او
و بین ذات ولد نیست جواب در ثمن ترکه زوج

غیر عقار و از اراضی شریکند چه عقار و اراضی غیر ذات
ولد نمیبرد و ذات ولد احوط آنست که با سایر ورثه
مصالحه نماید چون ارث ذات ولد نیز از آنها
محل اشکال است و مشهور اینست که ذات ولد
میبرد نه غیر ذات ولد آیا الات و ابنیه را که نمیبرد
در قیمت قسمت سهم دارد مسئله کشمش و خرما در میان
برنج کردن چه صورت دارد و هرگاه کشمش و خرما خشک
باشد و قطع در جوش آمدن او در میان برنج
نداریم آیا بقاعده طهارت یا استصحاب طهارت
حکم بنجاست برنج در شک میفرمایید یا نه جواب عیب ندارد مسئله
در وصی عدالت شرط است یا نه و اگر وصی عادل نباشد
وصیت باطل است یا وصایت وصی و بر فرض بطلان علام
که باید بوصیت عمل کند جواب شرط نیست و وصیت
باطل نیست و در وصیت غیر واجبه متعین نیست

مسئله ٣٨ باید تحقیق فقرا و نحو آنها که شرع با فراق نیت نماید
وحمایت که در ثلث معتبر است اگر زیاد بر ثلث
شد وصیت باطل است یا در ثلث ترکه معنی زیاد
زاید باطل است جواب در زاید باطل است موقوف
باجازه ورثه است اگر اجازه کردند نافذ است
والا باطل شود مسئله ٣٩ در غالب بلاد در سر حمام
آب بر پای مردم میریزند از دو لچه جهة تطهیر و شستن
نشسته فقط میریزند اما هر دفعه آن قدر صبر نمیکنند که غساله
منفصل شود آیا پاک است یا نه جواب خلاف
احتیاط است البته دو دفعه کفایت میکند
با فاصله فی الجمله مسئله ٤٠ خم که نجس شد در تطهیر آن
آیا باید آب به تحت زمین و مفتوح آید کما قال
بعضی یا از وقت بریزند کما قاله اکثر العلما ولکن بنابر قول
آخر آب پاک مجتمع در تحت خم الحد رسید دیگر

که هر دفعه آب غساله در تحت خم جمع شود و بنابر قول
اول هر دفعه آب پاک بتحت خم خواهد رسید حکم را
بیان بفرمایید جواب مسئله آب را از بالا ریختند تا قعر
که میرود و هر ظرف را تطهیر میکند و غساله مجموع آنها است
که جمع شود در آخر که بیرون بیاورند و هر آنچه در تحتیه
شود از اول تا به آخر در هر غسل آب غساله است نه غسالت
و آنی طرق که بنای قول اول است نیز خالی از محذوری
نه در مواقع دیگر که تر تلبّش را خیال کرده اند نیست از جهة
اینکه آب بهر طرف که در تحتیه شود آب بالا میآید از همه طرف
ذات اطراف دیگر را غساله فرو میگیرد و آب غسل پاک
بنابر این قول به آنجاها نمیرسد و جواب آنها نیست که همه
آب غسالت است و تا فارغ نشده است همه تطهیر حاصل
نشود و بعید نیست که مراد کسی که گفته از بالا است
نرسیده این باشد که از بالا است تا سینه و آب با طراف

بریزند تا مجدّدی که غساله جمع شود بعد غساله را بیرون
بیاورند و محل غساله را آب بریزند تا مجدّدی که باز غساله
جمع شود باز غسالهٔ جمع شده را بیرون بیاورند و همچنین
تا به آخر و بر این تقدیر محذوری مذکور در سؤال دارد
و اگر آب بریزند در خم دیگر و اسند آنرا اگر بشود که آن آب همه جا
برسد و بعد از آن آنرا بیرون بیاورند تا سه مرتبه پاک میشود
مسئله کسی بستاند مال امام میدهد و ستاند میداند
که این شخص باذن مجتهد یا وکیل مجتهد نداده است
آیا توجه بر ستاند مباحست یانه جواب مشکلست
بلکه معلوم نیست مسئله فضلات کرم که در میان
فواکه است مثل سیب و زردالو و گرجه و خربزه و امثال اینها
آیا مباح است اکل آنها یانه و همچنین دانهٔ عناب و خربزه و سنجد
و دانه سیاه کشمش مباحست یانه جواب اگر چه قلیل است
که بعد از اینکه کرمها بیاید ظاهرا عیب نداشته باشد

امّا دانهٔ کشمش و سنجد که عیب نداشته دعناب و غیره همچنین اگر ضرر
نداشته باشد مسئله قطع صلوة جهة دفع ضرر از غیر
جایز است یانه جواب اگر ضرر معتد به باشد بلی جایز است
بلکه گاهی واجب در ضرر نفس واجبست مسئله لقطه
که قابل تعریف نیست مثل یک قران دیک اشرفی که بدون
ظرف و علامت دیگر است که تعریف شود حکمش چیست
جواب احوط تصدق است و تعیین نیست تملک هم جایز
باشد مسئله امام یقین دارد که وقت داخل شده و مأموم
اعتقاد دارد که وقت داخل نشده آیا میتواند مأموم این نماز
را با این امام اقتدا بکند یانه جواب نمیتواند بلی اگر در اثناء
نماز امام وقت داخل شد به اعتقاد مأموم تعیین نیست
بلکه در این وقت میتواند به امام ملحق شود و با بقیه نماز امام نماز
خود را جماعت کند والله العالم و احوط در این صورت ترک است
مسئله شخصی حمّام را اجاره کند مثل اینکه به حمامی بگوید از اول
شوال شش ماه تا فلان وقت حمام بیایم به حمام از برای هر دفعه

بر مشتری او هم راضی شده بدون حیله چه صورت دارد
جواب با تعیین زمان ضرر ندارد چون مقدار ملک
و ظرف آب معهود است و منزل بر متعارف مسئله
شخصی برود تمام نسیه میگوید پول طلب شما از هر وقت
دارا شدم میدهم راضی میشود بدون تعیین زمان
چه صورت دارد دیگر آنکه شخصی معاملهٔ نسیه میکنند
زمان معین نمیکنند بایع راضی میشود چه صورت دارد
جواب اگر چنین باشد که پول را بدهند قرار بعقد
و بعد از قرار گرفتن در ذمه خواهش مهلت تا زمان
دارا شدن داشته باشد عیب ندارد و چه در اینجا و چه در سایر
معاملات دیگر که حقیقةً این راجع است بمعامله
نقدی مقابل نسیه منتهای امر اینست که وجه عین
خارجی بخصوصه نیست و در ذمه است و مجهول است
کلا بمقتضای معامله مسقط است صاحب مال که بایع است
جواز مطالبه ندارد اگر چنین نباشد بلکه پول موجل است

در سایر معاملات صحیح نیست و در اینجا هم معامله صحیح نیست
لیکن بعید نیست رضای تصرف بدست آید کفایت
در جواز تصرف نماید اگر چه معامله صحیح نباشد و ملک حاصل
نشود خلاصه اینکه اگر رضای تصرف از صاحب مال قطع نظر
از این قرار داد بدست آید یعنی نه آن رضائی در ضمن معامله
مجهول المدة است بلکه رضا بمطلق تصرف غیر موقوف بملک
جایز میشود و الّا فلا مسئله شخصی بکفران میدهد پول بیاره
بلیتها یا ساعتی میکند چه صورت دارد جواب معلوم
نیست عیب داشته باشد مسئله موضوع غنا را
بیان فرمایید جواب غنا خواندنی است که مجرای اشق
الات لهو است مسئله حدیث ضعیف خواندن
چه صورت دارد از هر کتاب و نقل معنی خواندن بدون آنکه
شخصی بگوید حاصل معنی چنین است و لعل الفقیه تقدیم و تأخیر
بشود جواب در نقل معنی اگر عبارت مفهم باشد و سکون را
درست از جهت مفهوم ضرر ندارد و حاصل معنی
بعنوان موقوف است بر ایمه مسئله مناط کثرت شک اگر چه

برضع مشتبه و مادر برادر او بنسبت بابا در حقیقی است یا نه
پدر است و این هر دو حرامند لیکن این مذهب که حق ل
معلوم نزد ما است ضعیف است در صورت رضع هر دو حرام
نمیشود مسئلة زره در پاره این نحو که شنیده این شخص
سیف انداخیر بکرد از جهة موجی نحو یا اجیر بشود یا نه جواب
بالخصا زره و عدم تملک از تحققا یا شرط حقوق انزاه
بر تقدیر عدم تملک از تحققا مشکل است مسئلة زوجه
ذات الولد از جمیع ترکه من غیر استثنا ارث میبرد یا نه
جواب نهایت اشکال دارد احتیاط نمایند اگر
نشود با صلح رفع شبهه نمایند مسئلة عقار صغیر
اگر حرقه و عنبه در فروش آنها باشد جایز است یا نه
جواب جایز است از برای ولی مسئلة ملکی صلح
صغیر است صحیح نه بر ذمه صغیر و ملک دیگر از صغیر شد
و ادای قیمت آن را میکنند جایز است الخ مصالحه یا نه
جواب جایز است مسئلة در باب عبادات عدالة
از بابت طریقه شرط میدانند یا از بابت

سرضا علیه که اگر غیر عادل از مطلق با شیم بعمل کردنش میتوان
اجر گرفت یا نه جواب در صورت وثوق بعمل کردن بر وجه
صحیح بعید نیست که توان گرفت اگرچه خلاف احتیاط است
مسئلة طفل صغیر دو ساله را باذن پدرش یکماه
متعه مینمایند ایام تمتع داخل نیست صحیح است یا باطل
جواب صحت بعید نیست و احتیاط بداخل کردن
زمانی که قابلیت فی الجمله استمتاع داشته باشد بجوز است
مسئلة شخصی وصیت کرده که ثلث ما را از برایم خرج کنید
دیگر بگوید چهل سال صلواة و دو ماه صوم از برایم بجا بیاورید
و بین صورت باقی ثلث که زاید از اجرت چهل سال
صلواة و دو ماه صوم است در چه مصرف باید صرف شود
جواب بلاحظ باید نمود هر چه اصلح بحال میت و انفع باشد
و او را از عقاب خلاصی دهد اگر احتمال معاقب بودن
داشته باشد مثل مظالم اگر این احتمال بود که بر ذمه اش
باشد و لیکن اگر این در آن باید صرف نمود و الا خوب است که
در اقارب قربات مثل تعزیه و اعانت زوار و نفقه ق

را خفر از مساکین واعانت سادات صرف نماید انشاء الله تعالی

مسئلة هرگاه کسی خواهد نماز قضا احتیاطی بکند بعد از
دخول وقت فریضه قبل از اتیان بفریضه میتواند بکند
یا باید اولا اتیان بصلاة فریضه نماید وبعد نماز قضا احتیاطی
بکند جواب تقدیم نماز حاضره لازم نیست بلکه شاید احوط تقدیم
نماز قضای احتیاطی باشد علی الحق لیکن این هم لازم نیست
والله العالم مسئلة تطهیر کفش به آب جاری وکر مثل ظرف
است که باید سه دفعه شسته شود یا دو دفعه جواب دو دفعه
کفایت نمیکند بلکه کفایت یک دفعه بحمام است ودر سبیل هرگاه تر
ونجس باشد تطهیر ته کفش ودیا میکند یا نه بلکه باید پاک
خشک باشد وتطهیر ظروف با آب جاری وکر تعدد لازم است
یا نه جواب نباید خشک باشد چنان که هیچ رطوبت
مسریه نداشته باشد اما طاهر باید باشد ومسئلة آخر
از ستابی معلوم شود مسئلة تطهیر ظروف بسبب ملاقات با
جاری وکر احتیاج تعدد دارد یا نه جواب
تعدد احوط است ولزوم معلوم نیست وکفایت میکند

ودر عصر اینکه تمام جامه وفرش را در آب بفشیم که آب در او تبدیل
شود مسئلة شخصی ملکی را بیع شرط کذارده بلیق ویکری
وسندی هم نوشته شد ولیکن صیغه جاری نشده ومشتری
الحال ملک را صاحب شده بایع میگوید پول را میدهم ملک
را بده مشتری قبول نمیکند چه صورت دارد جواب اگر
بمعاطات هم معامله واقع شده باشد صحیح است واگر در وقت
خیار قرار داده اند وجه را رد نموده اختیار فسخ دارد در نقد
فسخ باید ملک باز رد شود واگر نه بمعاطات ونه بغیر معاطات
معامله واقع نشده ومحض سند نوشتن نماینده بدار ملک
باید باز رد شود مسئلة میتی را دفن نمایند بقصد
اینکه بعد از مدتی از آنجا قبر بیرون آورند وادر بمشاهد مشرفه
نقل نمایند آیا جایز است نبش قبر او یا نه وهرگاه از اول بقصد
نقل میت دفن نکرده باشند نبش جایز است یا نه وکفن میت را
بدعا وقرآن نوشتن جایز است یا نه جواب در صورت نبش بعد از
دفن ونقل بمشاهد مشرفه رجوع بغیر نمایند ونوشتن کفن بدعا
وقرآن جایز است لیکن رعایت احتیاط نماید که جای الرکفن بر سینه

که بدون از حضرت احترام اینست بقرائت و دعا باشد الله تعالی

مسئله اگر شخصی در جائی باشد که غیر آب مغصوب نباشد یا تنگی وقت و تخفیف غسلی یا وضوئی خواهد بود بر طرف اوکه جایز باشد و یا غسل را بعمل آورده و فریضه خود را بجا آورد وقت دیگر داخل شد و آب غیر مغصوب بدست آورده آیا بهمان غسل یا وضو میتواند فریضه دیگر بجا بیاورد یا خیر جواب تخفیف بطهارت مائیه قطعیت

مسئله تنالی یا نهر آب وقفی که در تصرف مالکش هست مسلمانان وضو میسازند و غسل میکنند بعد از آنکه غصب نشده برای مسلمانان در استعمال تفاوتی بهم برسد یا نه یا اگر نفع زراعتی را غاصب میبرد دخلی به این مسلمانان که وضو میسازند یا غسل میکنند ندارد در صورت جایز بودن اگر تغییر تمر بلا حد یا نه جایز است استعمال مسلمانان یا نه جواب اگر از آنهائی است که سیره بر استعمال آنها ثابت است بنحوی که ثابت است غصب نسبت بغیر غاصب و اعوان او در این منشا منع از استعمال بوجه سابق نمیشود والله تعالی العالم

مسئله کسیکه نماز قضا در ذمه دارد و میخواهد وضو بسازد یا اینکه غسل واجب بعمل بیاورد و میخواهد با این وضو و غسل نماز قضا نماید وقت هم داخل نیست که به نیت نماز یومیه وضو بسازد بنیت این وضو را چه قسم باید نمود با نیتی که ضمیمه وضو یا غسل را بعمل آورد ساعت دیگر که وقت داخل شد میتواند با این وضو نماز واجب نماید یا نه جواب احوط و اولی اینست که لااقل یک نماز قضائی بکند و بر تقدیر نخواستن یا نتوانستن مضایقه از این ندارم که بقصد نماز مستحبی هر کونه که ممکن باشد بکنند لیکن خالی از خلاف احتیاطی نیست و اگر قصد یکی از غایاتی که طهارت بجهة آنها مطلوب است شرعاً نماید بنحوی که داعی او بسوی آن غایت فی الحقیقة قربت بان باشد اگرچه محرک بسوی آن داشتن طهارت در وقت باشد هم صحیح است و بعد از دخول وقت با آن نماز میکند و مشهور اینست که غسل جنابت مستحب لنفسه نیست بنابراین حاجت بانیها نخواهد بود هر وقت خواهد غسل میکند بقصد رفع حدث جنابت و نماز هم با او میکند لیکن در جمیع صور غیر از صورت اولی الحاکه

که مقید بجا آوردن قصدا داشته باشد مقید قربت مطلقه
نماید نه وجوب و نه ندب بمعنی ندب مقید یا که در صفت
و در قربت مطلقه فعل او والله العالم مسئله زیارت
قبرستان را فقیر میدانند نهر آب غصبی یا غیر غصبی
و ماء جاری میکنند در سر آن نهر وضو ساختن یا غسل
کردن چه حالت دارد آب غصبی و غیر غصبی در هر یک تفکیک
علیهذا است یا نه مسئله در صحن عبد العظیم محل متبرک مسلمانان
است در آنجا نهری یا حوض احداث نمایند در آن
نهر ماهی آب غصب داخل نشود ماهی آب مباح وضو
ساختن یا غسل کردن چه حالت دارد جواب چون
محل ماحت صحن شریف امامزاده لازم التعظیم حضرت
عبد العظیم علیه الرحمه است اگر چنانچه صحن شریف از مرافق
بقعه شریفه بوده است که معلوم نیست نهر در آن جاری
نمودن عیبی داشته باشد بلکه حسنی داشته و اگر معلوم است
محققا که وقف بر ده جهة مقرره حال که چنین شد

بحسب ظاهر برخی آن ممکن نیست معین نیست که نشستن
در آنجا و وضو گرفتن ضرر نداشته باشد لیکن آب وضو باید
مباح باشد شرعاً و اگر چه باذن عام شرعی مثل آب نهرها که ما
که سیره بر استعمال آنها در مثل شرب و وضو مثلاً جاری است
باشد و بغیر مباح خالص چه هوا اش مغصوب باشد و چه
مخلوط بمغصوب باشد نه جایز است و نه صحیح والله العالم
مسئله بخار غلیظ از نجاست یا متنجس بانسان یا لباس
انسان برسد نجس میشود یا نه جواب نجس نمیشود مسئله
دیگ شیره بعد از خالی کردن شستن [illegible] اهل [illegible] آب
انگور و دیگر یا نه یعنی اگر یک جو زاده شیره داشته باشد حرام است
یا نه جواب ضرر ندارد آن مسئله در استنجا اگر
اگر شک صاف نباشد یقین نمیکند که عین رفته است
هر چند خاک بمالد تا یقین کند کفایت میکند یا نه جواب
بلی کفایت میکند مسئله نشستن در حفت در آب
آب بیشتر که بعد از بزرگ شدن در جهت املاک عام است

با ملک صاحبان جواب ملک غارس است مسئلة
در وقت شیره پختن یک کفگیر در دیگهای متعدده که در
یکجا نصب است میزنند عیب دارد یا نه جواب کفگیر
دیگ جوش آمده را در دیگ جوش نیامده نزنند مسئلة
دیگهای شیره هرگاه همه جوش آمده باشد آیا یک کفگیر را
میتوان به همه اکتفا کرد یا نه جواب تا نشان نشده را در
شده نزنند مسئلة شهادت بر رسالت در تشهد
نماز داخل در ذکر است یا تشهد را بقصد قربت مکرر
کرد یا نه جواب جایز است مسئلة هرگاه موصی از
برای وصی تعیین اجرت نکرده باشد وصی میتواند
بر طبق عمل خود اجرت بردارد یا نه و در صورت جواز اذن
حاکم شرع لازم است یا نه جواب ظاهر است که این مسئله
مشتبه مبهم باشد در حلیه ابر بعمل و در رساله متاجر تفصیل آن
ذکر کرده است رجوع نمایند مسئلة آیا قیم صغیر در مبایعه
ملک صغیر اسقاط غبن فاحش میتواند بکند یا نه

جواب جواز موقوف است بمصلحت بلی در غالب در بیت
اسقاط مصلحت نیست مسئلة حد غبن فاحش چه چیز است
بیان شود جواب غبن متعارفی دارد و خارج از تعارف
هم مراتب دارد چنانچه بعضی مراتب بعد و در غبن نیست
باینکه زیاده یا نقص هست مسئلة آیا رد مظلمه غیر سید
بسید میرسد یا نه جواب مدخلیت ندارد سیادت
ارکن مظلمه سید هم چه صدقه از و نیست بلی بنابر اینکه
صدقه از صاحب حق باشد و معلوم باشد که او سید نبوده
است مدخلیت محتملست لکن چون صدقه واجب
از نیست یا معلوم نیست و با عدم معلومیت اصل عدم
وجوبست از این جهة معلوم نیست که مانع داشته باشد
چون صدقه مندوبه غیر سید بسید جایز باشد
بلی چون حکم این صدقه وجوبست یعنی واجب التصدق
عموم اگر کسی بنابرین بگذارد که همینکه حکم صدقه وجوبست
بسید نرسد باید بگوید نمیشود داد و لکن این معنی
مورد محل منع است بلکه ظاهر ادله منع صدقه واجب

باصل شرعست لیکن احوط منع ذالک فقره بغیر سید است والله

العالم مسئله تالابی است در بعضی بلاد قریبًا لغایة میله

سه فرسخ دارد از حیثیت طول وعرض شاید قریب سه و

یا چهار فرسخ بوده باشد واز قراریکه میگویند چشمه هم در آن

تالاب هست وتخمینًا بقدر ده فرسخ آب در یک لوله

آهنی آورده اند یا نزدیک شهر ودر آنجا منقسم میشود

در لولهای آهنی کوچک بقدر لولهٔ آفتابه یا زیادتر یا کمتر تفاوت

آنکه درون تالاب مستغرق ومسلط است بر شهر این آب

باختیار خود میرود بر شهای چهارم یا پنجم بلکه تا ششم باوجود

این صورت ظرفرا در زیر آب بگذارند وچیز متنجس در آن ظرف

بشویند پاک میشود یانه وبر فرض اینکه پاک بشود وآب هم نجس

نشود خود آب حکم کر دارد یا حکم آب جاری آنچه حکم مسئله است

مرقوم فرمایند جواب بسم الله الرحمن الرحیم متنجس پاک میشود

وآب نجس نمیشود مادام که متصل است وحکمش حکم کر است

والله العالم مسئله زید دو دختر دارد هر یک از مادری

وزید وفات نمود قریبًا بیست هزار تومان متروکات دارد

ویکی از دو دخترها ضعیف در قوه ودیگری قوی حقه ارثی

طرف ضعیف را بدو هزار تومان مصالحه نمایند با عدم رضای

قلبی آیا مصالحه صحیحست یانه جواب اگر او را اکراه بر مصالحه نکرده

ولاعلاج در مصالحه بمقدار مزبور ننموده بجهة اینکه نمیداده

صحیح است چه ظاهرا و واقعا اگر مکره بوده است صحیح نیست

واگر لاعلاج بوده بجهة لاعلاجی صلح کرده خالی از اشکال نیست

لیکن بر این تقدیر در صورت واقع بجهة طرف مقابل حلال نیست

والله تعالی العالم مسئله زید ملکی وقف نماید باین عبارت

که نصف منافع آن تعزیه داری حضرت سید الشهداء ع م

صرف شود ونصف دیگر بفقرای بلد وفقرای ارحام را

در هر حال بر فقرای بیگانه مقدم فرموده الاقرب فالاقرب را

مراعات نماید آیا باستحقاق طبقهٔ دوم با طبقهٔ اولی مساوی

ومقابل هستند یا اینکه فرقی وتفاوتی دارد جواب اگر از مرقومه

مستفاد شود که با طبقهٔ اولی فقط باید داد دو ثانیه بعکس

باین معنی که اینقدر نباشد که بسبب آنچه متعارف در بین صنف
زیاده بر بیت طلبه عنیزه یا اولی فقط طلبهٔ اولی مقدم است
بمقتضای آنچه قرار داده الأقرب فالأقرب والله العالم مسئله
معامله دادن پول باین دو قسم که اشتهار پیشتر صحیحست یا نه
اول اینکه زید دو تومان معیّن را مصالحه نماید با عمرو بعوض
مال المصالحه معیّنه و شرط کنند اینکه عمرو صد تومان باو قرض
بدهد دوّم اینکه زید دو تومان بدهد بعمرو که عمرو صد تومان
باو قرض کند از کیستی جواب بلی ظاهر اینست که این دو صورت
صحیحست انشاالله تع ولیکن در صورت ثانیه اگر ببخشد باو دو تومان را
و شرط کند که از برای او از دیگری قرض کند صد تومان را
یا جعاله او قرار دهد دخلی بباب معاملهٔ پول ندارد و محلّ
اشکال نیست و علاج جهة تخلص از ربائیت و اگر ببخشد
باو و شرط کند که خودش دویست تومان قرضش بدهد
نیز صورت اولی است تفاوت بصلح و هبه است مسئله
رشتهٔ آب را سلوکی چندین خانه متصرّف شدند و میبرند و آن

آب از قنوات است که مشهور به آب مسجد است حال کسی بنفع مصلحه
منع متصرفین از آن آب نماید قبل از ثبوت غصبیّت میتوانند
یا نه و در صورت علم غصبیّت بردن آن آب را در مسجد
چه صیغه دارد جایز است یا نه و اگر جایز نیست مسلمانان میتوانند
از آن آب برای وضو و نماز ایشان صحیح است یا باطل جواب
نمیتواند منع متصرف نماید چون ظاهر التصرف و بردن آب دلیل
ملکیّت است اگر مشهور به آب مسجد هم هست بظاهر بزور نزند لکن
ظاهر اینست که استحقاق فی الجمله متصرف نیز ثابت باشد و اما
بردن آنرا به مسجد خلاف شرعست بعد از حکم به ملکیّت بمقتضای
تصرف به استحقاق فی الجمله دارا باب وضو ممکن است گفته شود
منع از انتفاع وضو گرفتن با آنکه وقف بجهة اوست جایز
نیست یا بیاید و جنبیت خود را بردارد یا صفت استعمال دهد
و اگر هیچکدام نکنند ممکن است گفته شود که مسلمین بقدری
که زیاده بر حق ایشان نباشد فقراء الله منتفع شوند و احوط
استیذان در رجوع بحاکم شرعست مسئله زنی فوت شد و شوهری

و دلالت کند امام او ترتیب در غسل از تماس میت وغسل
در نماز ستر عورت است مرد باید عورتش را بپوشد و زن
جمیع بدن را الا صورت و کفین و قدمین یعنی کف پا را هم
بنابر احتیاط بپوشد مسئلهٔ باید لباس مصلی نجس
نباشد و غصبی و اجزاء حرام گوشت و میته نباشد
و از برای مردان حریر محض و طلاباف نباشد و مشتبه بحریر
و طلاباف هم نباشد و مشتبه بغصب و مشتبه بنجس هم
نباشد با انحصار یعنی که شبههٔ محصوره نباشد مسئلهٔ
وقت نماز چهار عنوان دارد وقت مختص و وقت
مشترک و وقت فضیلت و وقت اجزاء مسئلهٔ
مقارنات نماز یازده است قیام و نیت و تکبیرة الاحرام
و قرائت و رکوع و سجود و تشهد و سلام و ذکر و ترتیب
و موالات مسئلهٔ رکن اجزائی نماز چهار است
قیام و تکبیرة الاحرام و رکوع و دو سجده از یک رکعت

مسئلهٔ جاهل بحکم قبله اگر نمازش ما بین یمین و یسار
قبله هم واقع شود اعاده کند و اگر در بین نماز بفهمد احوط
این است که تمام کند و بعد اعاده کند مسئلهٔ هرگاه شخصی
از نماز شکست و تمام هر دو حمد را داد آیا نمیداند کدام
مقدم بوده هرگاه ممکن شود تفحص کند که ترتیب
حاصل شود والا مخیر است هر یک را خواهد مقدم
دارد مسئلهٔ هرگاه پیشانی بر هر چیزی که سجده بر آن
جایز و صحیح نیست قرار گرفت و میتواند مهر و مثل
آن را نزد پیشانی آورده و پیشانی را وصل بآن کند
و بکشد و بر روی آن قرار دهد باید چنین کند مسئلهٔ
شخصی در حال قیام شک کند که شک بیا توجه شکی
بوده لشبک همین حالتش عمل کند و اگر در همین حالت
هم حرا است نمازش باطل است مسئلهٔ اگر شخصی
در سجده است مثلاً و شک در رکعت دارد
و میداند که بعد از سجده مشغول مشغول

که رکعت چندم است بقصد قربت سجده را بجا آورد و سهو را
برداشته تا معلوم شود اگر امام است ضرر ندارد و اگر منفرد است
اعتبار بهمان حالت شک اوّل است در آن سجده پس قربة
کند و امّا منفرد هر دو سجده کند بقصد قربت احوط اعاده نماز
است در صورت مفروضه و ماموم تابع امام است مسئله
شخصی در حال رکوع زیادتر از حدّ رکوع خم شود ضرر ندارد یعنی
زیادتر از آنکه دستهایش بزانو برسد لیکن بقصد اینکه
از اسم رکوع بیرون نرود و اگر آن مقدار خم شد دیگر رکوع
نمی‌کرد بلکه واجب است بایستد و قیام بعد از رکوع را بعمل آورد
مسئله هرگاه شخصی قصد تسبیح اربع داشت سهواً حمد
را شروع کرد و ملتفت شد قطع کند و از سر گیرد حمد را
یا تسبیح اربع را بجا آورد و بعد از نماز احتیاطاً دو سجده سهو
کند و اگر وقتیکه بخواست بنماز بتسبیح در نظرش و عادتش
شود همان حمد را تمام کند ضرر ندارد مسئله اذان و اقامه

که در سجده ساقط است سقوطش عزیمتست اما در سجده
که چند صلوة جماعت تعاقب به یکدیگر مشغول که امام را تبعی
ندارد گفتنش ضرر ندارد مسئله نماز وقتنا مثلاً هنوز
امام تمام نکرده دیگری از برای نماز بعد اقامه بگوید محلّ اشکال
است در هر حکم در این مسئله مسئله هرگاه شخصی سهواً نماز
عشا را در وقت مشترک شروع کرد پیش از نماز مغرب
و شک سه و چهار کرد در شک بود و یقین کرد که
نماز مغرب را نکرده اگر برکوع رسیده همان نماز را تمام کند
بقصد عشا و تلافیش را بجا آورد یعنی بحکم شک عمل کرد
عمل کند و بعد نماز مغرب را بکند و اگر برکوع نرسیده است
فوراً بنشیند و تمام کند بمغرب و احتیاطاً مغرب را اعاده کنند بعد
عشا را بکند این مسئله که ذکر شد رای جوی شیخ مرتضی مرحوم بود اما
میرزا میفرماید که اتمام نماز مغرب با این شک اشکال است
و تمام کردن بقصد عشاء را اعاده آن احتیاطاً بعد از
نماز مغرب ظاهر آنست که بهتر باشد مسئله سوی آسب

دقایق‌دار کلاه همراه نماز گذار باشد نماز صحیح است مسئله
رطوبات حرام گوشت هرگاه در لباس مصلی خشک شده باشد
اقوی ازاله آنست مسئله هرگاه آب انگور جوش
آمده پیش از آنکه دو ثلث آن برود در لباس مصلی
خشک شده باشد احتیاط در شستن آنست مسئله هرگاه
شخصی السلام علیکم را واجب قصد داشت و آخر قرار
داد و تخییر را نفهمیده بود ضرر ندارد مسئله هرگاه جاهل
مقصر هر سه سلام را قصد واجب گفت احوط
اینست که نماز را اعاده کند مسئله هرگاه سه سلام را داد
و تعیین واجب را نکرد ضرر ندارد مسئله هرگاه در حال
تشهد یا ذکر یا قرائت دست یا انگشتهای پا را حرکت
دهد مثلاً ضرر ندارد و احوط ترک است مسئله نماز میت
هرگاه دعای مستحبش غلط خوانده شود جهلاً بقسمی که بکلام
آدمی نرسد یا بعضی از آن را نخواند ضرر ندارد

یعنی باطل نمیشود مسئله زن در نماز بمحاذی مرد یا پیش
از مرد باشد که نماز شان بطلان البته مشهور اگرچه محرم
هم باشند احتیاط ترک است و هرگاه حجابی در میان شان
باشد که در هیچ حالت یکدیگر را نبینند یا ده ذراع از هم
دور باشند ضرر ندارد مسئله هرگاه شخصی در بین نماز
فهمید که سلام نماز سابق را نداده آن نماز را قطع کند
اگر منافی بعد از سلام سر نزده سلام نماز سابق را بدهد
و احتیاطاً دو سجدهٔ سهو بجا بیاورد و احتیاطاً نماز سابق را
اعاده کند مسئله کفش در پای نماز گذار باشد و ساق را
پوشیده باشد و سر انگشت شست در حال سجده بر زمین
بگذارد ضرر ندارد مسئله هرگاه نماز قضا بذمهٔ شخصی باشد
و نماز نافله را بر خود واجب کند مشکلست هرگاه واجب کرد احتیاطاً
بجا بیاورد مسئله موم همراه نماز گذار یا در لباسش باشد
ضرر ندارد مسئله هرگاه چیزی مثل لقطه همراه خود نگاه دارد

برود و اگر وقت تا به آخر قرائت گذشت در اختیار ذکر سجدهٔ
قربة الی الله بگوید و سجدهٔ اول حساب کند مسئله با اول
وقت واجب در اداء دین واجب فوریست اداء آن و اگر
نداده و راضی نکرده طلبکار را در اول وقت نماز نکند اگر در آخر
وقت نماز کند بعد از رضاء طلبکار یا اداء آن اوجه نماز
در وسعت وقت که ده قضا کند بنا بر احتیاط هم چنین
است در ادا نکردن خمس و زکات هم مسئله اسم
پیغمبر را شنیدن فوراً صلوات فرستادن مستحب است اگرچه
در نماز هم باشد مسئله جواب سلام طفل ممیز در نماز
واجبست مسئله سلام کننده مبتدی تنها اگر کسیست
که غیر را تقید بگرفته جوابش واجبست و کفایت میکند
سلام علیک مسئله هرگاه در بین نماز ما [illegible]
محلیه کم شد اگر وقت وسعت دارد قطع کند نماز را و ا[illegible]
سجده کند بر ثوب پنبه یا کتان و اگر نباشد بر پشت
دست و اگر نباشد بر معادن مثل عقیق و غیره مانع

و مثل آنها مسئله حمل تخم در نماز احوط اجتناب است
از اجزاء حرام گوشت در سابق حکم با اجتناب ذکر شد اما
احتیاط و محل احتیاط جائی است که صدق نکند نماز در آن
محمول نیست اگر صدق کند نماز باطل است و حمل آن مجهول
یا بسهو یا بفراموشی ضرر ندارد و لی اگر در بین نماز
متذکر شده از خود دور کند و نماز را اتمام کند مسئله
نجاست در لباس اگر فراموش شده باشد تا تمام
شود اعاده یا قضا نکند و اگر در بین نماز خاطرش
آمد قطع کند نماز را در وسعت وقت و اگر وقت
تنگ باشد از خود دور کند و الا بهمان حالت
نماز را اتمام کند احوط اولی قضاء است مسئله
اگر در بین نماز عالم شد که نجاست بلباس از نماز [illegible]
با وسعت وقت قطع کند و اگر مشتبه اند که [illegible]
از خود دور کند و تمام کند و اگر ممتنع اند قطع کند نماز را و در وقت ضیق

وقت بقدری که تمام کند نمازش ادا و اگر عمداً نماز عالماً
مشغول به نجاست نمازش صحیح است و اولی اعاده است
در وسعت وقت مسئله باید سر انگشت بزرگ
بر زمین برسد در سجده و گوشت اگر زیاده از ناخن
باشد ضرور ندارد و اگر ناخن از گوشت زیاده باشد
احتیاطاً بگیرند و از برای مسح بلندی ناخن ضرور ندارد
اما از برای غسل اگر چرک در زیر آن زیاده باشد ضرور
ندارد مسئله بر ورق تنبیخ [illegible] سجده صحیح است
مسئله هرگاه پیشانی به مهر نرسیده مظنه کرده که ظاهراً
بعد از رکوع را جا بیاورده بر کرده بجا آورد و بعد به سجده
برود و هم چنین اگر شک در واجبات باشد احتیاطاً
بجا آورد مسئله شخصی نماز قضاء یقینی که بذمه دارد نماز
مستحبی را ترک کند بنا بر احتیاط و اگر هر روز مشغول بجا
آوردن نماز قضا است بمقداری که از حد مسامحه بیرون
برود نماز مستحبی خصوصی را رواتب را مقدم اند تعجیل آورد

در نماز استیجاری ظاهر آنست که مثل نماز قضای خودش بنا باشد
فصل در عدولات مسئله نماز ظهر به عصر و مغرب بعشا مختص
عصر به ظهر و مختص عشا بمغرب و قضاء به اداء و قضائی که
ترتیب او را اصلا نمیداند و تکلیف مراعات ترتیب
نیز نداشته باشد بقضاء و مستحب بواجب و مستحب
به مستحب و واجب بمستحب جائز نیست عدول بلکه اونکه
خواهد درک جماعت کند یا نماز ظهر جمعه که منجی است سوره
جمعه یا منافقین بجای سهواً سوره دیگر بنا کرده تواند
عدول کند به مستحب واجب را مسئله نماز فرادی را بجماعت
عدول نمیتوان کرد مسئله نماز عصر به ظهر و عشا بمغرب
در ادا بقضا و قضائی که ترتیب را بداند بقضاء سابق
و جماعت بفرادی عدول میتوان کرد مسئله هرگاه نماز کرده
بود سهواً دیگر نیت ظهر کرد باطل است و عدول
نمیتوان کرد مسئله هرگاه شخصی ابتداء بقصد نماز معینه
خواه واجب و خواه مستحب و سهواً در دلش گذشت

یا بجبر باشش جاری شد نماز دیگری چون ملتفت شد باید
نیّت همان نماز نیّت کرده داشت در اوّل و عدول
هم ممکن باشد اگر در اثناء نماز ملتفت شد به همان حال تمام
کرد اگر بعد و یا وقت باشد عیب ندارد مسئله هرگاه شخصی
در نماز قصداً حرکت کرد امّا بقسمیکه از صورت نماز نیفتاد
بعد که قرار گرفت ذکر یا قرائتی که در آن حال خوانده بقصد قربة الی الله
اعاده کند ضرر ندارد قرائت جهریه که آخرهای کلمه بعض
جاها آهسته خوانده میشود که صدا در فیشوم نمیباشد نقل
است بلکه اولی که از حدّ جهر بیرون نرود مسئله هرگاه در [illegible]
مصلّی یک نفر عجمی باشد یا اینکه مجهول عجمی باشد که با حال
نماز شهادت شده اگر یک سوره هم باشد نماز متی باطلست
مسئله هرگاه شخصی بسجده نرسیده بخاطرش آمد
که از رکعت پیش یک سجده نکرده و رکوع از رکعت را هم
فراموش کرده سجده را از رکعت پیش قرار دهد احوط
در این صورت اعاده نماز است بعد از تمام واگر

فهمید بسجده نرسیده است بنشیند اگر بعد از آن سجده
را ست بنشست و قرار بگیرد و برود بسجده و بعد از سجده
برای زیادتی احتیاط بجا آورد مسئله جوراب که ساق
پا را بپوشاند چه مرد و چه زن نماز با آن نکنند بنا بر احوط اگر چیز
دیگر نمیدید آن بپوشانند و هم چنین غیر جوراب هم همچنین
حکم دارد مسئله نماز مستحبی هرگاه طمأنینه و شرایطی را
از شرایط [illegible] بجا نیاورد باطلست مسئله هرگاه ببیند
که شخصی طمأنینه و شرایط نماز را درست بجا نمیآورد اگر
جاهلست واجبست او را ارشاد کند و اگر عالمست باید او را
امر به معروف کند یا ارشادش مسئله وطن فعلی زیاده از
دو وطن مشکل است مسئله هرگاه هجرت کند شخصی از
وطن دیگر قصد شش ماه ماندن در آنجا نداشته باشد
و ملکی داشته باشد در عود به آنجا احتیاطاً نماز را جمع کند
بلکه اولی قصد اقامه کند مسئله هرگاه شخصی نماز کرد بقصد
ادا بعد معلوم شد که قضا بوده صحیح است احوط اعادة

رکوع و نه به نیت قضا آن را بجا آورد و همچنین است عکس
مسئله هرگاه کسی در نماز یک حرفی را غلط بگفت تا رکوع
نرفته ملتفت شد اگر الف و لام دارد از کلمه پیش حذف
بگوید مسئله هرگاه کسی شک دارد که چهار رکعت بغروب
مانده یا نه اول نماز ظهر را بجا آورد اما در وقت غیر مختص
بعصر اگر در نماز شک کند که ظهر را کرده این عصر است
یا نکرده این ظهر است نماز ظهر را قرار دهد مسئله
هرگاه شخص نماز مغرب را در دو رکعت سلام داد بعد
در نماز عشا مشغول شد در دو رکعت اول بخاطرش آمد
احتیاطاً همان را رکعت سیم مغرب قرار دهد و اگر در سوره
باشد قطع کند و بهمان حمد اکتفا کند و تمام کند و اگر
در رکعت دیگر باشد تا رکوع نرسیده فوراً بنشیند و تمام کند
و اگر برکوع رسیده باطل است این نماز و آن رکعت
ناتمام را که ترک کرده بود بجا بیاورد و بعد از آن دو هم صحیحها

اعاده نماز است مسئله هرگاه شخصی پیش از اینکه بحد رکوع برسد
بخاطرش آمد که رکوع را بجا نیاورده بود برخیزد و راست بایستد
و برود برکوع و بعد احتیاطاً نمازش را اعاده کند اگر در اثنای
خم شدن برکوع فراموش کرد مسئله هرگاه بقدر چهار رکعت
با سوره وقت مانده به آخر وقت دیگر رکعت بی سوره
آنا وقت مختص بعصر است و بعد ظهر را قضا کند و بعد
عصر را هم احتیاطاً قضا کند مسئله هرگاه خلیفه جز لباس
مخنث پوشیدن چاره نداشته باشد و با محرم خود است با همان
لباس نماز کند مسئله قطع نماز بجهة دفع غیبت یا غناء
یا حرامی دیگر با قدرت دفع جایز است و بجهة ضرر کلی
که تحمل آن جایز نباشد قطع نماز جایز است مسئله هرگاه
شخصی شک کند که این نماز مغرب است یا عشا اگر نماز
مغرب را کرده باطل است این نماز را و [illegible] که نماز
مغرب نکرده است پس بنیت مغرب [illegible]

عمل نمایند و احتیاط باعاده مراعات نمایند اگر در رکعت
بر کوع نرفته منهدم سازد و سجدتین را تمام کند و اگر نماز عشا
تمام کند و احتیاطاً هر دو را اعاده کند مسئله مسافر مثلاً
هشت فرسخ رفت در یکی در و یک فرسخ برگشت و شب
در آنجا ماند نمازش را شکسته کند و اما یک فرسخ بود و هشت
فرسخ برگردد تمام کند مسئله هرگاه شخصی بعد از نماز شک کرد
که نجاستی که در بدنش بود شسته است یا نه نمازش صحیح است
از برای نماز بعد ازاله کند احوط و اولی اینست که آن نماز را اعاده
کند مسئله شخصی عقب کرایه رفت سابقاً به قصد مسافت
و تمام کرد نماز را و در جائی که قصد مسافت است تا آنجا
نماز را تمام کند وقتیکه روانه شد در مراجعت که شکسته کند
در مراجعت کند شتر از جهت تحقق هم شرط نیست مسئله
بعد تکبیر شخص احتیاطاً باید نماز را اعاده کند اگر وقت نماز بعد
تنگ باشد اول نماز بعد را بجا بیاورد و احتیاطاً آن را قضا
کند و اگر بقدر پنج رکعت وقت باقی باشد هر دو را ادا کند

مسئله صحیح است نماز احتیاط از برای شک مسئله
شخصی جاهل که نمازش را باید اعاده کند باحتیاط علما فتوی
هرگاه عمداً اعاده بکند با وسعت وقت و نماز بعد را بجا آورد
هر دو را اعاده کند بنا بر احتیاط مسئله در نماز آیات مأموم
فهمید که امام بعض از سوره که بنا داشت بخواند فراموش کرده
در رکوع رفت و مأموم قصد فرادی کند و خود حمد و سوره را
بخواند و تمام کند علی الاحوط مسئله مأموم در رکوع اول هر
رکعتی از دو رکعت نماز آیات با امام اگر برسد درک جماعت
کرده و اما خلاف مسئله در نماز گریه بر حضرت سید الشهدا اختیار
نمودند از در اما با اختیار در آن محتاج است تأمل مسئله
لباس غیر ساتر عورت هرگاه جای مخصوص باشد و نجس
باشد بنجاست غیر حرام گوشت نماز با آن صحیح است مسئله
هرگاه شخصی رفت بسجده هنوز پیشانیش نرسیده شک
کرد که طمأنینه بعد از رکوع را بجا آورده یا نه احتیاطاً برگردد
و بجا آورد مسئله هرگاه بعد از نماز دوم یقین کرد

رکعت از این دو نماز شکی که شده در عشا اند از کلام نمازش هست
اگر بعد از نماز دوم شاک بجا نیاورده باشد احتیاطاً یک رکعت دیگر را
بقصد ما فی الذمه بجا آورد و نماز اول را اعاده کند مسئله
بعد از احتیاط یقین کرد نقص نماز را و مخالف هم اتفاق افتاده است
احتیاطاً آن نقص را بجا آورده و نماز را اعاده کند مسئله
اذان که میان دو نماز ساقط است در صورت عدم فاصله
است و فاصله کردن فاصله است و ساقط نیست مسئله
در آخر وقت اگر شخص وضو یا غسل کند یک رکعت نماز در یا
بد میکند و اگر تیمم کند چهار رکعت در یابد که تیمم کند در یابد
تمام نماز مقدم است مسئله در سجده دوم نماز یقین کرد
که یک سجده از رکعت پیش مانده و در رکوع این رکعت هم شک کرده بود
بود اگر چه آن یک سجده را از سجده پیشین حساب کند و بعد از نماز
احتیاطاً که ترتیب شده نماز را هم اعاده کند و سجده سهو از برای
هر زیادتی بجا آورد مسئله هرگاه شخص در رکعت چهارم یا سیم
بخیال رکعت اول یا دوم مسئله حمد شروع کرد و در بین

حمد ملتفت شد قطع کند حمد را و تسبیح یا حمد دیگر بجا بیاورد
و بعد دو سجده سهو از برای زیادتی حمد بجا احتیاطاً بجا آورد
مسئله هرگاه شخص بسم الله بقصد سوره گفت سهواً
سوره دیگر شروع کرد و در بین ملتفت شد رجوع کند
بجای آن سوره و اگر موالات بهم خورده بسم الله را دوباره
بگوید مسئله موالات عرفی بالنسبه بجزو آن محل است
مثل تکبیر و حمد و سوره و تشهد و سلام و تسبیح هرگاه نسیاناً
موالات شان فوت شود ضرورند اما بشرط تدارک آن
بجز فی موالاة اصل نماز که اگر بهر قسم فوت شود عمداً یا سهواً
نماز باطل میشود علی الاحوط و اما اگر مقتدی یک کلمه را عمداً مقدم
بدارد بر دیگری نمازش میشود مسئله نماز جمعه واجب
تخییری است یعنی واحوط جمع است فصل در نیت است
مسئله شخص بداند که چه نماز میخواند که اراده دارد بجا
آورد بقصد قربت کفایت میکند و لازم نیست به تفصیل

اجزاء نماز را بداند و تصور کند بلکه کفایت میکند تصور اجمالی
مسئله اگر شخصی نماز را قصد واجب کند و اجزاء آن را
که نمیداند واجب یا مستحب است آن را بقصد قربت بجا آورد
صحیح نداند مسئله اگر خوب هم نداند یعنی از افعال نماز
دیگری او را تعلیم کند و او متابعت کند صحیح است نمازش
و بنیت بلفظ آوردن جایز است لکن در نماز احتیاط
و احوط ترک است مسئله با قصد ریا چه از اول نماز
و چه در بین نماز و چه در اجزاء نماز و چه در اول آن و چه در
واجب آن و چه در اقوال مستحب آن باطلست نماز اگر چه
تابع قربت هم باشد و ریا اگر چه در اوصاف صلواة هم باشد
مثل در مسجد یا بجماعت بودن مسئله هرگاه اصل
قصد قربت باشد و ذکر یا در قرائت شلوغ صدا را
بلند کند بقصد تنبیه و اعلام غیر مخصوص و جبری بلکه
رجحان داشته باشد صحیح نداند مسئله اگر در نماز
بجزئی یا بلستی جهت تعظیم غیر و بقصد اجزاء نماز

باطل است مسئله هرگاه شخصی قصد کند قطع نماز را
و پیش از بجا آوردن جزئی از صلواة یا منافی آن
قصد سخن برگشت یا مردد شد یا معلق کرد قطع
نماز را بامری مثل اینکه اگر فلان آمد یا در زمان منافی
بجا آورم و بعد گردید پیش از جزئی و بجا آوردن جزئی
از نماز احتیاط بعد از اتمام اعاده آن نماز کند فصل
در قیام است مسئله قیام واجب رکنی در دو
جا میباشد یکی در حال تکبیرة الاحرام و دیگری متصل برکوع
و قیام واجب غیر رکنی در سه جا است در حال قرائت
و بعد از رکوع و در حال تسبیحات اربعه مسئله هرگاه از
اقوال مستحبه نماز که در حال قیام باید بجا آورد قیامش
مستحب است با نیت که قرب تر آن قیام در قرائت آن اقوال
جایز است و ما بین وقف کلمات و آیات برای بلند
واجب قیامش مباح است مسئله مراد از قیام راست
ایستادن است بی میل دو یا و قرار داشتن

بدون در حال اختیار و اما در حال اضطرار تکیه کند بچوب و غیره نخوابد که
قیام مقدم کند و الا اقرب تقدم داشتن شبیه‌ترین حالات است
بقیام بر نشستن و اگر میتواند بنشیند و اگر دو [illegible] نتواند
بنشیند تکیه کند و اگر نتواند بدست راست بخوابد رو بقبله
و اگر نتواند بدست چپ بخوابد رو بقبله و اگر نتواند
به پشت بخوابد پا بقبله مسئله اگر امر مردد شود میان
ایستادن بدون قرار و نشستن با قرار باید ایستادن
مقدم دارد مسئله هرگاه قیام در راه رفتن را میتواند
و نشستن بقرار نشستن را اختیار کند مسئله هرگاه
بعض نماز را ایستاده میتواند بکند ایستاده را مقدم دارد
هر جا که عاجز شد بنشیند و اگر در بین قرائت باشد
ساکت شود و قدری نشست و قرائت را از همانجا تمام
کند بخواندن در حین نشستن اگر نشسته باشد و میتواند برخیزد برخیزد
و اگر قرائت را هم تمام کرده باشد قیام را بجا آورد برای رکوع رود
مسئله اگر ایستادن نماز که مرتبه اعلا است اگر عاجز شد حاصل

مستحب تنزل کند به مرتبه ادنی بالنسبه بخود یعنی تا به پشت خوابیدن
و از آخر مرتبه ادنی که پشت خوابیدن است هرگاه قدرت
بهم رساند باعلی بیاید تا ایستادن و اگر در هر مقام به تکلیف
خود عمل نکند نماز باطل است مسئله باید پیشانی را بر زمین
رسیدن بر آن [illegible] پیشانی است که انشاء در حال
اختیار بر زمین غیر معدنیها یا رسیدن از زمین
غیر از خوردنی آدمی اگرچه در حال [illegible]
یا غیر میوه یا میوه نارس هم باشد و غیر از پوشیدنی
[illegible] یا کتان مسئله سجده بر قرطاس [illegible] است
[illegible] میکنند احتیاط دارد اما کاغذی که از ابریشم
[illegible] شده [illegible] در آن نباشد اگرچه رنگین هم باشد
سجده کردن بر او و اگر [illegible] مشغول بوضع جبهه [illegible]
و اگر [illegible] بجبهه بچسبد هر دفعه باید پاک کرد و اگر هم
ممکن نشد بر لباس سجده کند از پنبه یا کتان اگر [illegible]

ممکن نگشود بر پشت دست اگر آنهم ممکن نشود بر معادن
مثل عقیق وغیره مسئله باید موضع سجده که موضع پیشانی است
پاک باشد بلکه مشتبه به غصب نباشد باالحضار و نیز موضع
دیگر بر زمین قرار داشته باشد با جبهه از اول ذکر واجب
تا تمام شود موضع جبهه شرطست که از ملتقی یک خشت
بلندتر و پستتر از موضع ایستادن نباشد و احوط در سایر
اعضاء هم مراعات پستی و بلندی نباشد مسئله اگر پیشانی
بقدر مسمّی نتوان گذاشت بجهة جراحت وغیره گودی
بکند که اطراف پیشانی بر زمین برسد و اگر آن هم ممکن نشود
جبینین را بگذارد و احوط مقدم داشتن جبین راست را
است و اگر آنهم ممکن نباشد ذقن را بگذارد و اگر این هم ممکن
نشود خم شود بقدر امکان و اگر ممکن شود جای سجده را
بلند کند و اگر ممکن نشود ایما کند بسر و اگر ممکن نشود ایما

کند بدو چشم احوط آنست که مهر را بشکند و پیشانی برساند
با امکان بلکه بشیئی موضع دیگر را هم هرچه که بتواند
بر زمین برساند احوط است و درست نشستن بعد
از سجدهٔ اول و قرار گرفتن واجبست فصل
در تشهد است باید شهادتین را تمام بخواند
با صلوات بترتیبی که در قرائت گذشت یعنی باید با طمأنینه
باشد از اول تا آخر سنت در تورک اقعاء نشستن کند احتیاطاً
مسئله صحیح است نماز مرد در لباسی که زیّ مردانست
و همچنین مرد در لباسی که زیّ زنانست اگرچه پوشیدنش
معصیت است و احوط اجتناب است در نماز مسئله
حمل اجزاء حرام گوشت با نمازگذار از اشکال است ولو بسیک
آب دهن سک اگر در ظرف خز نامیده نشود اشکال است
و در طلا و حریر و همچنین حریر و مثل آنها که ملبوس باشند
نماز در آنها اشکال است مسئله آستر جامه

حریر باشد استعمال [illegible] است و [illegible]

مسئله استعمال دارد اما [illegible] خرید و فروختن [illegible] به نیت

تزیین زنان شدن حرام است و استعمال کردن هم اگر اصلاح

نباشد حرام است مسئله در محل اقامه از حد ترخص باید

خارج نشود و خروج [illegible] بلاد خود ندارد مسئله هرگاه

شخص قصد اقامه کرد و نمازی تمام نکرد که حایض شد بعد

[illegible] نمازها تمام کند مگر اینکه از قصد اول برگردد یعنی

اما اگر نمازی تمامی بکند مسئله هرگاه کفش شخصی عوض

شود اگر کفش یا پستر از کفش خودش هست عوض کفش

خود تصرف جایز است لیکن به عنوان تقاص اگر بهتر است

تصرف نکند زیاده قیمت [illegible] اگر [illegible]

[illegible] اگر بهتر از [illegible] زیاده است مشکل است

احوط بعد از یأس از پیدا شدن صاحبش تصدق است

[illegible] به قاعده مجهول المالک مسئله [illegible] پیدا

کنند اگر [illegible] است باید تعریف بکنند و اگر

طفل پیدا کنند باید ولی او تعریف کند اگرچه تصرف در او نکرده

باشد مسئله مرد که در [illegible] لباسیکه از برای مرد است

ساخته بود جهة کسوة است خواه پوشیده باشد خواه نپوشیده

باشد حال زن بودن ظاهر است احتیاط از مخلفات

ارث حساب بکند مسئله هرگاه شاخه درخت میوه دار

از دیوار باغ آمده و راه گذار بی رضای صاحب میوه آن را

بچیند حرام است و هم چنین اگر در کوچه ریخته باشد

بر داشتن آن نیز حرام است مگر بدانند رضا بودن صاحب

مسئله اما بیع بر دو قسم است یکی بیع قطعی و یکی بیع

بشرط خیار و این [illegible] بود و معاطات هم [illegible] اما شرط خیار

باید در زمان معین باشد اما شرطهای صحت بیع [illegible]

چند چیز است اول اینکه باید فروشنده و مشتری هر دو بالغ

باشند و معامله اطفال صحیح نیست هرچند ده سال داشته

باشند مگر اینکه آلت معاملات باشند [illegible] در بالغ

دوم اینکه بایع و مشتری عاقل باشند که در [illegible]

مُوَکِّلَتی عَلِیّاً بِنْتی زَهْراء عَلَی الصَّداقِ الْمَعْلُوم
و جواب فوراً با صیغه انشاء قبول ایجاب بکوید قَبِلْتُ
کفایت میکند و اگر بکوید زَوَّجْتَنی بِنْتَکَ جواب
بکوید نعم کفایت نمیکند مسئله هرگاه زن بکوید
زَوَّجْتُکَ نَفْسی مرد بکوید قَبِلْتُ کفایت میکند
مسئله وکیل زن بکوید زَوَّجْتُ مِنْ مُوَکِّلِکَ
مِنْ مُوَکِّلَتی جواب بکوید قَبِلْتُ لِمُوَکِّلی کفایت
میکند مسئله اگر منقطعه باشد زن بکوید
زَوَّجْتُکَ نَفْسی فِی الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَی الْمَهْرِ
المعلوم مرد جواب بکوید قبلت کفایت میکند
اگر مرد بکوید تَزَوَّجْتُ نفسی [illegible] زن بکوید
قَبِلْتُ لِنَفْسی کفایت میکند مسئله در ایجاب

و قبول احوط مقدم بودن ایجاب بر قبول باشد و ایجاب [illegible]
مسئله هرگاه مردی بداند که شوهر زن بسفر رفته است
و خبر وفات او را ندارد و ضعیفه میگوید که شوهرم وفات
کرده و متهمه باشد آن مرد نمیتواند آن ضعیفه را بعقد خود
در آورد بنا بر احتیاط بلکه اگر متهمه هم نباشد چنین است
مسئله جایز است از برای مردیکه اراده دارد نکاح
زنیرا که صلاحیت دارد از برایش نظر کردن بر رو
و محاسن او که بقصد لذت نباشد و نظر کردن بر
تمام بدن غیر عورتشان و امّا نظر کردن بوجه و کفین
اجنبیه یعنی غیر محرم بدون لذت و ریبه حرام نیست
ولیکن احتیاط بقدر لابد ترکست اگرچه احوط ترکش
نکاح کردن کسیکه بترک آن بحرام میفتد واجب است
و حرام است استمناء کردن اگرچه خوف آن باشد
که اگر استمناء نکند بحرام بیفتد در فتوی بعضی است
بنا بر احتیاط مسئله هرگاه ضعیفه خود را بعقد کسی
در آورد و شرط کند که او را از نجف اشرف بیرون

نزد جایز نیست مادامیکه زوج بشرط خود وفا کند مسئله

هرگاه زنی یکی را وکیل کرد که او را تا ده روز مثلاً به یکی از اهالی بعقد

فلانی درآورد و زمان را تعیین نکرد وکیل میتواند هر زمانی

که خواهد عقد کند اگر قرینه برخلافش نباشد یعنی مانعی از

ظهور نداشته باشد مسئله هرگاه شخصی از برای

دیگری نوشت که فلان زن معیّنه را بعقد من درآور

جایز است مسئله هرگاه زوج یا زوجه یکی یا هر دو صحیح

نباشند و صراحتاً اذن دهند عقد فضولیست و با اجازه

کفایت میکند و احتیاط شدید در اعاده صیغه است

مسئله هرگاه ولی طفل طفل خود را بعقد یکی درآورد

بعد که طفل بتکلیف رسید نمیتواند آن عقد را رد

کند مگر بعضی از مقامات که بر حفظ مفسده علم باشد

هرگاه شخصی بگوید فلان کنیز معیّنه را یک شبانه روز

بتو حلال کردم کفایت میکند احوط عدم الاکتفاء فعلاً یعنی

است در تحلیل بس بگوید احللت لک و جواب بگوید قبلت

مسئله اگر کسی دختری را عقد کند بی اذن و اجازه پدر او

جایز نیست و باطل است مسئله زن شوهردار و زنی

که در عدّه است و عقد کنند حرام مؤبّد میشود

امّا اگر ندانسته که در عدّه است عقد باطل است اگر

مقاربت شده حرام مؤبّد است و اگر اولاد

بهم رسید اولاد شبهه است ملحق به پدر است

احتیاج بطلاق دادن هم نیست مسئله شرط است

در متعه تعیین مهر و زمان معیّن و ذکر آن در ایجاب

شرط است نه در قبول لیکن باید قابل قصد آن داشته

باشد مسئله اگر شرط کرد نفقه و کسوت منقطعه را

بدهد و اگر بعد از دخول مدّت شرط [illegible] باید تمام مهر را

بدهد و در نفقه و کسوت استقلال است و اگر قبل از

دخول باشد نصف مهر را بدهد مسئله متعه [illegible]

نمیبرد و در حق مصاحبه و خرج زمان عدّه هم ندارد

حملی داشته باشد خرج آن زن در زمان حمل باید برسد
حتی تا آخر است مسئله اگر منقطعه مقاربت نشده
عده ندارد اما اگر شوهرش وفات کند عده وفات
باید بگیرد مسئله در حیض مدت منقطعه را میتوان
بخشید مسئله عده منقطعه اگر حیض ببیند دو حیض
بگیرد و اگر حیض نبیند چهل و پنج روز بگیرد کفایت
میکند و اگر حمل داشته باشد بعد از وضع حملش و اگر
حامله باشد شوهرش عده اش ابعد الاجلین است
مسئله زن ناشزه حق مضاجعت هم ندارد
[illegible] در عده رجعیه هرگاه شوهرش بمیرد
از وقت [illegible] هم چنین [illegible] عکس مسئله [illegible]
[illegible] خون نه دید اما میداند
که بعد خواهد آمد [illegible] میتواند [illegible] مسئله
[illegible] طبیعت [illegible] باطل [illegible]

خود را ظاهر کند خود را بلکه مستحب هم [illegible] هم
ندارد اگر چنین کند مسئله هرگاه زوج مهری معین
کرد از برای زوجه و قصد دادن آن را ندارد عقدش
صحیح است اما دین بر ذمه است مسئله هرگاه زن
[illegible] بوده باشد و زوج خود را منع کند ناشزه نیست
مستحق نفقه و کسوت و مسکن نمیباشد مسئله هرگاه منقطعه
مدتش را شخص بخشید یا سر آمد و خواهد او را بعقد خود در
آورد در عده جایز است مسئله هرگاه مردی زن بعیده
از برای شخص در بلاد بعیده که فلانه صیغه ما دفلان مبلغ
و زمان معینه بعقد من در آور بجهت [illegible]
مسئله در عیب زن یا مرد که باعث فسخ عقد میشود احتیاج
بطلاق نیست بلکه به فسخ [illegible]
[illegible] مسئله زن
که بی اذن شوهر از خانه بیرون رود [illegible]

مدخوله که عده‌اش از نفقه و کسوت و مسکن محروم است نه از مهر

مهر بدهند مسئله هرگاه زنی علم حاصل کرد که شوهرش در سفر

وفات کرده بعد از عده بشوهر رفت چند سال که گذشت

شوهر اولش آمد عده شوهر ثانی را نگاه دارد و بشوهر اول

حلال است و شوهر ثانی بجهة دخول مهر المثل بدهد

[illegible] عده نمیخواهد مسئله هرگاه زنی بگوید اگر بگوید یا

[illegible] شوهر نماید یا قرار که عده‌ام گذشته و متهم هم نباشد در زمانی

[illegible] که ممکن باشد عده داشته باشد کفایت مسئله قول

[illegible] او خواهد روی خدمت بوجهی رضاء زن خود نفقه‌ها

نفقت دارد اما زنی [illegible] اجرت خدمت از مال شوهر

بردارد اگر مقصد تبرع بود ازو نخواهد فصل در سهویات

مسئله سهویات بر دو قسم است یا جزئی از نماز

فوت شود یا زیاد و بعد خاطرش بیاید اگر رکن باشد

و داخل رکنی دیگر نشده بجا آورد و [illegible]

اگر داخل رکنی شده باطل است و هم چنین اگر غیر رکن

باشد و محلش باقی است بجا آورد و الا نمازش صحیح است

ولی سجده سهو از برای هر چه سهواً کم شده است

یا زیاد بجا آورد احتیاطاً مگر سجده واحد و تشهد فراموش

شده که قضا لیکن اول باید خوانده شود و بعد سجده سهو

بکند مسئله سجده سهو پنج موضع واجب [illegible] کلام

بیجا و سلام بیجا و تشهد فراموش شده و سجده فراموش

شده و شک چهار و پنج بعد از سجده تیتن مسئله

[illegible] در نماز حکم غلط دارد و غلطه بعد از نماز حکم شک

دارد اما احتیاطاً [illegible] مسئله هرگاه شخصی

بعد از نماز سجده سهو فراموش کرد هر وقت خاطرش

آمد بجا آورد و اگر در نماز باشد بعد از نماز بجا آورد

و اگر وضو ندارد بسازد مسئله هرگاه شخصی در بین

نماز شک کند که نماز ظهر است یا عصر ظهر حساب کند

مسئله اگر از چیزی که سجدهٔ سهو واجبست دیگر چیز زیاده
کند که سهواً در نماز اتفاق بیافتد سجدهٔ سهو احتیاط است
مثل قیام چنانچه کسی نشست محل السلام یا گفتن بسم هم
چنین زیاد شدن اذکار مستحبی سهواً پس هرگاه در حال
... است یا بعد از سجدهٔ دوم مثلاً بخیال بعد از سجده
اول گفتن استغفر الله را بعد از نماز دو سجدهٔ سهو علی
سبیل احتیاط هم چنین هر ذکر مستحبی از اجزاء نماز که سهواً
بجا آورده شود نماز را ... و نقصان که سجدهٔ سهو نمیخواهد
احتیاط از روی سهو است نه عمد اما تسبیح از آنکه بیجا
... هم یکمرتبه سجدهٔ سهو نمیخواهد اما سلام هم
سلامی یکمرتبه و حمد بیجا یکمرتبه و سوره یکمرتبه و یک
آنست بیجا هم یکمرتبه نمیخواهد هم چنین است افعال نماز
مسئله هرگاه شخصی شکیات و سهویات در سجده
سهو ... نت که منافات ... اند در مجملات

هم در نماز اتفاق نیفتد نماز او صحیح است اما تحصیل آنها
بر او واجبست واگر ترک واجب کند عمداً فاسق است
مسئله شک میانهٔ دو و سه بعد از اکمال سجدتین
بنا را بر سه کند اشت در محاسبت در تسبیح ...
بدو رکعت فرو نشینند و تشهد را بخوانند و برخیزند و نماز را
تمام کند از برای هر یک از بحول الله و قیام و تسبیح بجا سجده
سهو احتیاط بجا آورد مسئله شخصی هرگاه ...
رکعت دوم نماز احتیاط ایستاده یاد او ...
خاطرش آمد که اصل نمازش سه رکعت بوده و ست
از این نماز بوده است و در است شد و مشغول رکعت چهارم
شود و نماز را تمام کند بعد احتیاط نماز را اعاده کند و سجده
سهو نمیخواهد یکمرتبه تشهد و سلام بیجا و اگر در قیام
باشد بنشیند و رکعت آورد را بجای رکعت چهارم
سلام نیاورده و هم چنین است اگر ... رکعت اول ... حمد باشد
به ... تمام کند ... احتیاط نماز را اعاده

کند بعد از سجده‌های سهو مسئله اگر ملتفت شد که اصل نماز تمام
بوده در بین نماز احتیاط خواهد قطع کند یا خواهد عدول
به مستحبی کند بدو رکعت سلام دهد اگر قضاء بود مگر
خود عید اند مسئله مقدار فعل مثل سر از زیر شدن سجده
در بجا است هرگاه زیاد شود سجده سهو نمیخواهد و اگر بقصد
قربه بجا آورد ضرر ندارد مسئله هرگاه شخصی بعد از سلام
فراموش کرد تشهد یا سجده فراموش شده را که باید بجا
قضا کند و منافی مبطلی سر زد از وی بعد نمیشد احتیاطاً آنها را
بجا آورد با سجده سهو و نمازش را اعاده کند مسئله
هرگاه شخص رکعت احتیاط را فراموش کرد به منافی و نماز
بعد از مشغول شد در بین نماز خاطرش آمد اگر محل عدول
باقی است عدول میکند بنماز احتیاط و الا آن نماز را
قطع کند احتیاطاً و نماز احتیاط را بجا آورد و احتیاطاً نمازش را
اعاده کند مسئله هرگاه شخص در سجده سهو شک کرد شک
دو و سه کرد بی التفات سر از سجده بر داشت

ملتفت شد شکی کند اگر مظنه است بطرف ظن رفت بر همان عمل کند
و الا بنای بر اکثر حساب کند مسئله هرگاه شخص
شک کند میان سه و چهار در حال قیام و یقین کند که
یک سجده در همین رکعت نکرده نمازش باطل است
مسئله هرگاه شک کرد که باطل است نمازش یا نه بطرف صحت
احتمال صحیح بودن باشد مثل شک چهار و شش تمام
کردن نمیخواهد قطع کند نماز را مسئله هرگاه در حال تشهد
منافی نماز بعمل آورد عمداً و نماز را اعاده کند نمازش صحیح
است اما گناهکار است و اگر سهواً [illegible] منافی
بفعل آید باطل باشد نمازش احتیاطاً نماز احتیاط را بجا
آورد و نمازش را اعاده کند مسئله و اگر در اجزاء نماز
احتیاط خللی بهم رسد مثل اصل نماز است در بطرف
موجب سجده سهو بودن نکرده شک [illegible] و بنا را
بر زیادتی کند اگر و اگر زیاد شد در نمازش شکی و الا بنا را

می‌کند اگرچه مسئله باید نماز احتیاط را بعد از تکبیر
حمد تنها آهسته بخواند و قنوت و اذان و اقامه ندارد
و رکوع و سجود و تشهد و سلامش مثل نماز است مسئله
هرگاه بعد از بنای شک سلام داد و بعد از سلام فهمید
ناتمامی نمازش را بدون منافی ناتمامی را تمام کند و اگر فهمید
تمام بودن نمازش را تلافی نمی‌خواهد مسئله اگر فهمید
بعد از دو رکعت نماز احتیاط که اصل نمازش سه رکعت
بوده احتیاطاً یک رکعت چهارم را بجا بیاورد با سجده های
سهو احتیاطاً نماز را اعاده کند مسئله اگر بعد از نماز
بفهمد شکی بود نماز احتیاط را با اصل نمازش احوط
داوری اعاده نماز است مسئله تشهد و سجده فراموش
شده تشهد و سجده نماز است پس هرگاه در بین تشهد
فرع اگر آنها فراموش شود بعد ملتفت شود اگر منافی
عمدی و سهوی نکرده بجا آورد و آنچه بعد ش را

و اگر منافی بهم رسد احتیاطاً تشهد را بخواند و نمازش را اعاده
کند مسئله اگر نماز احتیاط تشهد و سجده سهو هر دو را باید
بجا بیاورد سجده سهو را مؤخر دارد و آنها را احوط تقدیم
رکعت احتیاط است بر تشهد مسئله و اگر تشهد و سجده
فوت شده باشد هر یک را که مقدم بوده مقدم دارد بنا بر احوط
شدید و اگر نداند تقدیم و تأخیر هر یک را احوط این است که مقدم
هر یک را با تأخیر دیگری یعنی تکرار کند و نمازش را اعاده کند مسئله
اگر هم چون دانست که تشهد مقدم بوده است ایان کردی
و بعد معلوم شد خلاف بوده احوط است که اعاده کند
بقیه‌اش ترتیب حاصل شود و نماز را اعاده کند مسئله
اگر موجب سجده سهو متعدد باشد باید سجده
بجا بیاورد و ترتیب در سجده واجب نیست
رجب آن معروف و تعیین هم واجب نیست که تعیین کند
برای شک چهار و پنج بعد سلام بجا

کند یا از تشهد یا سلام و بعد از سلام مشغول شود از بابت [illegible] را
بجوده اعاده کردن آن خالی از قوت نیست و حاجی نیست بعد از
سلام یا بعد از اجزاء منسیه عمداً تا آخر سجده سهو واجبست
که بدون فاصله عمل بیاورند و ساقط نمیشود وجوب سجده سهو
اگر آنها را هم بجا نیاورد و همچنین رکعت احتیاط و اجزاء منسیه
مسئله و اگر فراموش کرد سجده سهو را هر وقت که خاطرش
آمد باید بجا آورد و اگر تأخیر انداخت گناه است لیکن نماز
او صحیح است [illegible] مسئله و اگر اجزاء منسیه را تأخیر بیندازد
تا [illegible] بجا بیاورد و [illegible] وجوب فوریت آن
[illegible] بخاطرش آمد بجا آورد اگر منافی [illegible] بیاورد
باطل [illegible] مسئله در سجده سهو بعد از نیت تکبیر گفتن
واجب نیست اگرچه [illegible] واجبست
در سجده [illegible] از حدث که شرط نیست قطعا
[illegible] خالی از قوت نیست [illegible] بسم الله و بالله
و صلی الله علی محمد و آل محمد [illegible] سجده [illegible]

گفتن شهادتین تمام و صلوات و السلام علیکم و رحمة الله
و برکاته کفایت میکند

فصل در تیمم است

مسئله تیمم احوط آنست که بضرب اول تیمم را تمام کند
بعد از آن بضرب دوم پشت دست ها را مسح کند
و اگر دو تیمم بکند یکی به یک ضرب و یکی بدو ضرب یکی
از برای پیشانی و یکی از برای دست ها جایز نیست
لکن دو [illegible] از بهر [illegible] است لکن [illegible] اول
اسهل است مسئله هرگاه شخص [illegible] دستش عاجز
باشد برای تیمم معین بگیرد بجای دست عاجز اگر تواند
که با عانت غیر تیمم بدستهای خود بکند و اگر یک دست
نداشته باشد احوط جمع است میان تیمم به [illegible]
[illegible] و تیمم بضمیمه دست غیر و احوط [illegible]
بقاء ذراع تیمم بقیه ذراع است مسئله هرگاه [illegible]
وضو یا تیمم از خاک و نحو آن ممکن نشود حتی [illegible]

مسئلة کسی که بعضی اعضای وضویش مجروح و جبیره باشد وضویش با برف مسح کند صحت
وضوء او محل اشکال است که یک تیمم هم بدل غسل بکند و نماز بکند
و بعد قضا کند نماز را مسئلة تیمم بر شش چیز میتوان کرد
خاک و زمین و رمل و سنگ و غبار و گل اما تا خاک ممکن شود
باید بر خاک تیمم کرد و بعد زمین و بعد رمل و بعد سنگ
و بعد غبار و آخرش گل است اگر گل نتواند آن را خشک
کند و بعد تیمم کند و آخر هم جایز است و باید آنچه تیمم بر آن میکنی
نجس و غصبی و نظیف نباشد و حایل میان آن چیز و دست
و پیشانی نباشد و خود مباشر باشد با قدرت و با نیت
باشد تا آخر و به ترتیب و موالات باشد و پیش از وقت
نباشد و در وسعت وقت هم با امید بر طرف شدن عذر
نباشد و در هر دو دست با هم باید زد و ابتدا با اعلی کشید
و موضع و ماسح تیمم پاک باشد و مکان غصبی نباشد

مسئلة شخصی با تیمم بود که مغرب شد مسئلة هرگاه بداند که تا آخر
وقت اگر صبر کند عذرش برطرف میشود باید صبر کند بعد از
رفع عذر وضو بسازد یا غسل کند مسئلة جبیرة تیمم باید
ممسوح مسح شود که جبهه و جبینین و احوط مسح حاجبین است
نیز و ظاهر کفین است بباطن کف مسئلة شخص جنب
یا حایض که تکلیفش تیمم است هرگاه تیمم کند از برای
نماز شبانه نشست در مسجد میتواند کرد ولیکن احوط اینکه
ترک است دیگر چیزهای که بر او حرام بود مباح میشود و سوره های
سجده احوط و اولی ترک خواندن آنها است مسئلة
سنگ آهک پیش از پختن تیمم بر آن جایز است
و سنگ گچ مثل سنگ آهک است مسئلة هرگاه شخص
در بین تیمم یا وضو بشک شک در اجزا کند و بداند که این
وهم شیطان است یا وسواس است اعتنا نکند بر او
مثل در غسل است مسئلة هرگاه مرفقی که

ره فتی نباشد و مرطوبتی از خود به بیند که یکی از آن جهار
علامت در آن باشد که جهندگی و شهوت و سستی بدن
دیگری شکوه حرام است و علم به بودن باقی را ندارد
غسل کند بلی اگر همین بوی تنها باشد و بلکه در جمیع صور
انفرادی ثابت است باید احتیاطاً غسل بکند و ترک نباید
بشود غسل نکند و بشکند وضو بسازد و اما [illegible]
کافی است شهوت و سستی در آنچه بیرون میآید مسئله
هرگاه شخص منی در جامه خود به بیند و نداند که جنب شده
غسل کند و اعاده یا قضا کند نمازی را که یقین دارد با جنابت
شده بجا آورده و آنچه احتمال میدهد که با جنابت بوده احتیاطاً
اعاده یا قضا کند مسئله هرگاه شخص مرطوبتی در جامه
خود به بیند و یقین کند که منی است غسل کند و اگر [illegible]
کند و با علم به منی [illegible] کند و نداند که بیش از غسل بوده

یا بعد از غسل شده احتیاطاً غسل کند و بشکند نباید و احوط
داوطی وضو بسازد از برای عبادتش مسئله
واطی در موطوئه حیوان احتیاطاً غسل کند بنا بر اقوی
و موطوئه و واطی میت غسل بر او واجب بنا بر اقوی
در غسل بیرون از آب بودن و [illegible] نیست شدید
شرط صحت غسل نیست اگرچه احوط است مسئله
هرگاه [illegible] با گوشت کنده شود مستحب آن است که
غسل نمیشود و غسل و وضو لازم ندارد ظاهر اعضای
دیگر که از آدمی جدا شود مسئله هرگاه روی زخم
یا جبیره را نتوان مسح کرد حتی بکند [illegible] جبیره به روی
غسل یا وضو بسازد و به هر قدر که میتواند اطراف الجبیره
بنا بر احتیاط و تیمم هم بکند مسئله موی نازک در بدن
احتیاطاً گرچه غسل شسته بشود و اگر بعد از غسل معلوم شود

[illegible] کشده احتیاطاً غسل را اعاده کند مسئلة
هرگاه [illegible] غسل یا وضو را شخص مجنب [illegible] است
و بعد از فراغ [illegible] غسل شک دارد که ازاله کرده یا نه وضو
و غسل اش صحیح است و از برای بعد تطهیر کند آن عضو را باهر
[illegible] علم دارد که ملوث شده برطوبت آن عضو و احوط
آنست که تحصیل وضوء و غسل را اعاده کند و اگر نماز هم
کرده باشد با این طهارت احوط اعاده کند مسئلة هرگاه شخص
[illegible] از وقت غسل کند بقصد واجب خواه عالم باشد
بوقت یا جاهل باشد یا شکوک بوقت احتیاطاً اعاده
غسل و نماز است اگر بجا آورده باشد نماز را مسئلة
آب حوض یا خزینه که در آنجا استنجا کنند از غسالهٔ استنجا
[illegible] مسئلة جزم [illegible] در ابو [illegible]
و غسل [illegible]

اما این فرض [illegible] متعارف بعید است مسئلة آب مشتبه
بغصب یعنی [illegible] آب آن غصب است [illegible]
و نمیدانند که کدام مباح است با هیچ یک وضو و غسل
نمیتوان کرد اما اگر ازالهٔ نجاست کند با [illegible]
کافی است و ضامن قیمت آن را [illegible] استعمال کرد
ضمان معلوم نیست اگرچه خوب است که احتیاطاً [illegible]
بری الذمه کند و اگر مشتبه بمضاف باشد هر دو را استعمال
کند یعنی دو وضو بسازد و اگر مشتبه به نجس باشد وضو
و غسل اصلا آن را استعمال نمیتوان کرد اما اگر یکی از این
دو آب مشتبه بجائی بریزد نجس نمیکند فصل در احکام
وضو است مسئلة هرگاه گوشت در محل وضو یا غسل
[illegible] بوده باشد باید [illegible] وضو و غسل
مسئلة [illegible] واجب نیست ازالهٔ آن
[illegible]

وقت لا وضو بسازد و بنا بر قضاء کردن نماز هم نیّت
قربت لیبا ندید بجودت بی طهارت مسئله هرگاه
شخصی متصل بولش میچکد از برای هر نمازی وضوء بسازد
و به تعجیل مشغول نماز بشود و واجب است حفظ کند خود را به چیزی
مثل کیسه که تجاوز نکند بول او از آن کیسه به جای دیگر و از
برای هر نمازی بدل کردن آن لازم نیست اگرچه احوط
است و این احتیاط ترک نشود و هرگاه در وقت معیّنی
قطع بشود بولش نمازها را در آن وقت بجا آورد و اگر اقل
واجب نماز ممکن شود و مراد از اقل واجب نماز نمازیست
که اختصار از موجب تخفیفات شده باشد یک نماز کند با اقل
واجب و بعد یک نماز دیگر کند احتیاطاً و هرگاه بول خارج
شود وضو بسازد و از همانجا بگیرد و تمام کند اگر عسر و حرج
نشود و بعد هم یک نماز دیگر بکند بیک وضو و همچنین
است مبطون و لهذا حکم مسئله آبی که غسل

داخل آن کنند مثل آب مستعمل است میتوان رفع حدث
و خبث هم در بات کرد ما دامی که از طهارت بیرون نرود
مسئله غسل جنابت کفایت از غسل جمعه هم
میکند نه بعکس مگر با قصد تداخل باشد بلکه همه قصد
نه بداند که اقتضا لیش شرعاً چنین است و قصد حصول
منقضی داشته باشی نحی علی الاحوط کفایت میکند و اگر
نداند کفایت نمیکند مسئله هرگاه جبهه سالخ مرضی
مثلاً دوائی مثل کتیرا و خوان شخص بر سر آید اخت تا شد
و چند روز هم باید باشد مسح بر روی آن نکند در وضو
و غسل تیمم بر روی آن مسح کند امّا بعد از برطرف شدن
اعاده کند غسل و وضو را از برای نماز بعد علی الاحوط
و نمازهای گذشته اش صحیح است مسئله
بعد از وضو یا غسل رطوبتی مشتبه ببیند و شک دارد
که استبرا از منی یا بول کرده باشد مطلقاً نجس است

وناقض وضو و غسل است مسئله هرگاه محدث
نشسته امری که لازم وضو ساخته باشد محدث نشست و اگر با وضو
بود و محدث نشسته امری که حدث سر زده باشد با وضو است
دارد یقین در وضو و حدث هر دو دارد و شک
در تقدیم و تأخیر دارد محدث است مسئله وضوئی
که از برای رفع حدث باشد مثل زیارت و تلاوت
قرآن و بودن با طهارت و غیر اینها نماز میتوان کرد
با آن وضو چه واجب و چه سنت مسئله هرگاه در بین
غسل حدث اصغر سر زند غسل را تمام کند و وضو بسازد
از برای عبادتش و احوط اعاده غسل است قبل از وضو
این احتیاط ترک نشود مسئله هرگاه شخص حمامی
دادن اجرت حمامی را بقسم مسامحه ندارد و علم بر رضا
بودن او هم ندارد و غسل کند غسلش باطل است اگرچه

محدث هم او را راضی کند مسئله جبیره در موضع مسح مثل
موضع اعضای غسل است بجای رطوبت دست باید مسح کند و در جبیره
غسل که لازم نیست به رطوبت دست باشد بلکه باید که
مثل جزء صحیح بر آن کشد و مسح شود با آب جدید بالله مسئله
خون قروح و جروحی که نتوان شست از اطراف آنها اگر هست
بجهة وضو یا غسل بشوید و جز پاک بر روی آن بگذارد یعنی
بر روی اطراف و حکم خود جرح و قرحه چنان است که گذشت
اگر دوای بر روی آن باشد که نتوان برداشت و نقل آنها
نمود مسح بر روی آن دوا میکند اگر طاهر باشد و الا بر
خرقه طاهری بر روی آن بگذارد و در این صورت و صورت
انکشاف که احتیاط در او غسل اطراف و گذاشتن خرقه
است و مسح بر آن است احتیاط باید بقسم تیمم بکند
و نماز کند مسئله آب تا سینه شخص باشد نشسته نیت
غسل بکند از زیر آب بیرون رود نیت میکند در غسل

مسئلة هرگاه شخص نذر کند که صد صلوات بفرستد با طهارت
پس آن وضوء را به نیت نذر واجب بسازد هرگاه نماز واجب
و عبادت دیگر را با آن وضوء میتواند کرد مسئلة هرگاه شخص
معتقد است که قدری باطن دماغ الجبهة مقدم سر باید شست
در مدت گذشته را معتقد است که شسته شده یا نه وضوء و عبادت
گذشته اش صحیح است مسئلة هرگاه رطوبت کف
دست کفایت نکند مسح را از موضع دیگر بگیرد رطوبت [?] مسح
کند و از سر گرفتن وضوء لازم نیست اگر تقصیر در جفا
کردن نباشد مسئلة پیش از وقت وضو گرفتن
مستحب است هرگاه بداند که اگر تاخیر کند نماز در اول وقت
از وقت بشود و اگر صبر کند و بعد از دخول وقت وضو
بسازد احوط است مسئلة هرگاه شخص سهوا با آب غصبی
وضو بسازد از جهة تقصیر محل تامل است مسئلة [illegible]
بسبب [illegible] آن باید [illegible]

از سه مرتبه بیشتر زیاد کند تا برطرف بشود مسئلة
خون بواسیر اگر مشقت در تطهیرش باشد عفو است
مثل قروح جروح مسئلة شخص بعد از وضو یا غسل
مانعی در بدن خود دید و شک دارد که پیش بوده
یا بعد مشغول است با آن وضو و غسل اکتفا کند لکن اولی تطهیر
حاصل کند که بعد شده مسئلة یقین در وضو و حدث
و شک در تقدیم هر یک اگر پیش از نماز است
وضو بسازد و اگر در بین نماز است قطع کند و وضو
بسازد و بعد از نماز نماز گذشته اش صحیح است
از برای نماز بعد وضو بسازد فصل در نجاسات است
مسئلة عدد نجاسات دوازده است بول و غایط حیوان
حرام گوشت که خون جهنده داشته باشد و خون و منی حیوانی
که خون جهنده داشته باشد و سگ و خوک
صحرائی نه دریائی و کافر و شراب و آب انگور که جوش آمده

و مسکرات مایع که الحق بخمر است و فقاع و عرق جنب از حرام
و عرق شتر جلّال و احوط اجتناب از عرق هر حیوان جلّال است
فصل مطهرات مطهّرات یازده چیز است آب و زمین و آفتاب
و استحاله و انتقال و انقلاب و اسلام و برطرف شدن
نجاسات از بدن حیوان با احتمال طهارت بنا بر احتیاط و برطرف
شدن نجاست از باطن انسان و گذشتن خون مذبح حیوان
و انفصال غساله و استبراء حیوان جلّال و سنگ و کهنهٔ استنجاء
و غیر آنها و غایب شدن مسلم با احتمال تطهیر با علمش بنجاست
و استعمالی که عرفاً یا شرعاً اجازت طهارت است بنا بر احوط
و تبعیت و نقص فصل در نجاسات مسئله
اگر چیزی رطب نجس شد اگر چه منجمد باشد اگر چیز طاهری
با رطوبت بآن ملاقات کند آن چیز طاهر بسبب این ملاقات
نجس میشود مسئله لباس نجس بعد از تطهیرش اگر
خردهٔ اشنان و نخالهٔ آن در آن مانده باشد پاکست

مگر اینکه آب نجس در مجاری آن رفته باشد ظاهرش
پاك و جوفش نجس است اگر خشکیده باشد [illegible]
خانه [illegible] شود مسئله لباس نجس هرگاه وکیل تطهیرش
کند و اطمینان باو داشته باشد طاهر است و الّا حکم طهارتش
مشکل است مسئله آب کوزه که [illegible] نمیکند
در حال جوشیدن از چشمهایش اگر نجاستی بآن رسد
نجس نمیشود و الّا نجس میشود اگر کر نباشد اما پاك شدنش
متصمی کند که آب از آن چشمهایش بیاید و ممزوج با آن شود
پاك میشود علی الاحوط مسئله [illegible] نجس مثل آب
قلیل بر آن جاری شود همینکه آب گذشت از آن [illegible]
در دفعهٔ ثانی پاکست اگر [illegible]
انگشت [illegible] مسئله [illegible]
[illegible] واحد کند بشرط غساله نجس نمیشود یعنی پاك
بودن [illegible] پاك میشود [illegible] آن [illegible]

نجس نمیشود احتیاطاً دو مرتبه بشوید با آب قلیل مسئله غسالهٔ
منفصله از محل نجاست نجس است در مرتبهٔ اولی و در
مرتبهٔ ثانی احوط بلکه اقوی اجتناب است مگر غسالهٔ استنجا
با شرایطش مسئله از عرق جنب از وطی بحال حیض و
نحو آن احوط اجتناب است مسئله فضلهٔ طیور هر گاه
شک داشته باشی که از حرام گوشت یا حلال گوشت است
پاکست و فضلهٔ شپره نجس است مسئله ناخن مثلهٔ
سنگ بر آن خورده و خون در زیرش مرده بعد فرجه بهم
رسید اگر خون استحاله شده است پاکست و اگر صدق
خون میکند نجس است و هم چنین است غیر ناخن مسئله
هر گاه غذائی پای دندان باشد و از دهان خون بیاید و
بآن غذا برسد با دهان پاک میشود ولی احتیاط نجس
اگر خونی بآن نرسد پاکست نجس هم نشده مسئله
صابون نجس هر گاه بکار ببندند اگر جرم [illegible] نباشد

بعد از شستن دوا بلیسد که بعضی از اجزای غذا قابل طهارت
باشد با خصوص ظاهر آن و بعد از قطع برگشتن پاکست
مسئله زمین بازار و غیره تا علم بنجاست نداشته باشی
پاکست و در صورت تردید نیز احوط اجتناب است
مسئله خون مشتبه بنجس پاکست مسئله اگر دوائی که
در خمره باشد که آتش بگیرد و مستهلک شود و بجوش آمد
نجس نمیشود و هر گاه خرمای نارس بجوشد در طبخ ضرر
ندارد مسئله زمین یا دیوار یا فرش یا لباس نجس
نجس باشد با رطوبت سرایت کند و دیگری [illegible]
بشود و بو آنها بنشیند شسته و صاحب خانه لازم نیست
که او را اعلام کند مسئله هرگاه طعام نجس را بدیگری
[illegible] شسته و برایش دید واجب نیست بدیگر
اعلام کند اما جوف نجس [illegible] بلکه اگر بعد معاشرت

بانشان دادن اعلام کند که هرچه نجس است تطهیر کنند
مسئله نیست دخول آب که حرکت از بدن بیرون آید هرگاه
اورا بکشتند اگر خون عرفا جزء گوشت حساب شود پاکست والا
نجس است مسئله حرام است نجس کردن مسجد و فرش
آن و طاهر کردنش با قدرت واجبست و طرف بیرون
از دیوار مسجد نیز حکم مسجد دارد بنابر احوط مسئله آب چاه
حکم آب کر دارد و نجس نمیشود بملاقات نجاست
اگرچه کمتر از کر باشد مسئله هرگاه تطهیر کرد شخص لباس
متنجس را بعد دید عین نجاست باقی مانده در آن
هرجا که علم دارد که غساله با نجس رسیده است نجس است
و باقی دیگر پاکست مسئله نمد و مثل آن هرگاه
تطهیر شرعی شده باشد بعد از آن آب از آن بیاید
پاکست مسئله غساله نجس هرگاه بجای دیگر برسد

دو مرتبه با آب قلیل شستن لازم است و جلب جانماز و گلیم که بپهن قطعی
میکنند و هم چنین است غساله بعد هم اگر بجای دیگر برسد
مسئله آب انگور اگر در آفتاب جوش بیاید و بعد قوام بیاید
پاکست اگر بعد در طبخ جوش آید نجس نمیشود و هرگاه با آتش
جوش آید و با آفتاب نشان شود پاکست احوط اجتناب است
و انیز احتیاط ترک نشود مسئله مستی نجس و شیره آنها
هرگاه آب نکنند و گداخته شود دیگر قابل تطهیر نیست مگر هرگاه
آب بعد از شستن مسئله شوره هرگاه نجس شود اگر
صلابت داشته باشد دور نیست که پاک شود با آب
قلیل مسئله هیمه نجس هرگاه بسوزد از آتش او و پیش
از ذغال شدن اجتناب کند بنابر احتیاط و هم چنین از
ذغالش اما خاکسترش پاکست مسئله آب نجس مثل
هرگاه سرایت در مهمانی جماعت کرده باشد احوالات از برای

عشر ... باشد بر شخصیکه بداند یا باعث شده باشد
لازم نیست اعلام کند و تطهیر بلا شک اتفاقا مگر اونکه یقین کند
و ممکن باشد تطهیر لکن تطهیر کند مراد در این مقدمه خوب واضح نیست
بلکه لاحق مشتبه مجهول محکوم به نجاست نیست مسئله
آب قلیل که در حد ول شده سرد اگر شبیه به تسنیم یعنی از بالا
به پایین ریختن نیست نجاست بوقتش سرایت میکند
والا فلا مسئله زمستان لکل بعضی از اقسام نجس و بعضی
از آن پاک شخص مرا رخت رطوبت گفتی او سرایت
کرده به پالیش پاک است مگر اونکه علم نجاست آن رطوبت بهم رساند
مسئله از دو ظرف یکی مهره و یکی نیزه مشتبه بود داشت
و مخلوط کرده بس قبل از مش در آن وید و عنید البته
که از آن اجتناب نمود از هر دو اجتناب نکند مسئله هرگاه
از بدن کننده شود و نوم رشحات آن با رطوبت باشد

یا پوست ... از بدن کننده شود اگرچه الحجیم از بدن آن
به بدن برسد نجس نیست مسئله هرگاه جز اشخص
عار بیکار رفت و نجس کرد بعد که بی سید حد اگر جز نیست
که عادت با رطوبت استعمال میشود مشتبه خلاف باید اعلام
کند والا شش فرض واجب نیست و بهتر اعلام کردن است
مسئله دو مرد عن نجس و مسئله آلتش غیبته محبس نجس
نیست لکن هرگاه مجتمع شود در آن الحی جزو عن با
مشغل است مسئله هرگاه مشتبه طعام شخصی بالجماعت
خورند و ممکن نیست تطهیر او ضائع را سباب الیغات
و شخص میزبان مطلع است لازم نیست اعلام کند اما بیان
داکر عالم هم شوند هر جا که یقین نجاست آن دارند
و ممکن است تطهیر آن باید تطهیر کنند و هم چنین میزبانی
نسبت به او ... دانش مسئله هرگاه ...
شده نجس شود احتمال تطهیر ... از زوال عین

در آب قلیل ریزد احوط اجتناب از میتی آب قلیل است مسئلة
چاه هرگاه نجس شود برنگ یا بوی یا مزهٔ نجاست بکشند
آب آن تا تغییر برطرف شود پاک میشود اما حاشیهٔ چاه و اعضای
آبکش بالتبع پاک میشود اما در غیر صورت تغییر که احتیاطاً
بعدد مذکوره در اخبار باید کشید آنها بالتبع پاک میشوند
مسئلة احوط در استبراء حیوان جلال بعد از زوال اسم
جلال کف شستن آنقدر زمانی است که قرار داده شارع
است از جهة استبراء آن فصل در بعضی چیزهای که مستحب
است آب بر آن بپاشند هرگاه چیزی برسد به اعضای
سگ اما تحقیق سگ و خنزیر و کافر ظاهر آنست که اگر در میان
باران باشد و هنوز باران منقطع نشده باشد طاهر
باشد و تحقیق در جاهای دیگر مادامیکه متصل باشد نیز طاهر است
هرگاه بر شیء زنده که با رطوبت چیزی ملاقات کند که اثر تحقق
طاهر نباشد آب بپاشند بر آن واگر اثری از طعم معلق

طاهر باشد صحیح است شستن آن مسئلة هرگاه دست
به کلب یا خنزیر برسد به رطوبت یا با اهل کتاب
مصافحه کند مستحب است که دست را بخاک یا بدیوار
بمالد فصل در ازالهٔ نجاسات مسئلة واجب است
ازالهٔ نجاسات از جامه و بدن بجهت نماز و طواف واجب
و از مشاهد و مساجد و ضرایح ائمه و انبیاء
و ائمه و ظروف بجهة خوردن چیزی در آنها با رطوبت محل
سجدهٔ نماز و غیره مسئلة هرگاه چیز طاهری برسد بچیز
نجس یا متنجس با رطوبت سرایت کننده نجس میشود
قطعاً مسئلة تحقیق زمین نجس هرچه برسد نجس
میشود مسئلة نجاست ثابت میشود بعلم یا خبر دو عادل
بلکه یک عادل علی الاحوط یا خبر دادن آنکسیکه اعمال در تصرف
او باشد اما بشک و ظن ثابت نمیشود و در ظن

نزد بعضی احوط و اولی اجتناب است مسئله
شیء متنجس طاهر نمیشود مگر با علم بتطهیر آن یا خبر عدلین
یا ذو الید که در دست او است مسئله هرگاه چیز نجس
در میان چند چیز طاهر مشتبه شده باشد با رطوبت
بهر کدام که ملاقات نماید حکم نجاست ندارد اما نماز کردن بهریک
از آنها جایز نیست هرگاه ممکن شود غیر از آنها و هرگاه ممکن
نشود غیر از آنها نماز کند با هریک از آنها کفایت میکند
که مکرر نماید نماز را در آنها بعدد که زیادتر باشد از
عدد نجس یکی و هرگاه آن هم ممکن نشود عریاناً
نماز کند و در صورت عدم امکان از عریان شدن
با یکی از آنها نماز کند مسئله هرگاه متنجس مثل
لباس باشد دو مرتبه باید فشار دهند علی الاحوط
هر وقت [illegible] در آب بشویند

در آب جاری یک دفعه و در غیر جاری دو دفعه اولی است احتیاطاً
مگر بول که در آب جاری یک دفعه فشار کفایت میکند و در غیر آن هم
هر بار بعد دفع عین است باید مغسول و آب جدائی حاصل شود
تا تعدد محقق شود مسئله هرگاه در زیر آب یا بیرون
آب چیزهای نجس مثل فرش ... بفشارند یکی فشار
حساب میشود مسئله بدن در زیر آب کر یا جاری
دو دفعه دست بروی آن گذارند و بیرون آورند دو شستن
حساب میشود اما با آب قلیل در هر دفعه باید صبر کنند تا تقاطر
که مشرف بر ریختن است بریزد مسئله غساله نجس است
در غسله اولی اما در غسله ثانیه اقوی احتیاطیست مگر غساله
نجس غالباً که تعدی نکرده است و نجاست دیگر ممزوج نشده
تغییر رنگ و بو و مزه نجاست بهم نرسانده و جزو نجاست
در او محسوس نشود پاک است ... همان پاک شدن

اول مخرج بول را دو مرتبه باید شست و هم چنین مخرج
غایط را بقسمیکه غسالۀ آن نجس باشد دو مرتبه باید شست
مسئله ظرفرا هرگاه سگ اطراف زبان خود نجس کند
احوط آنست که اول خاک خشک باو بمالد بعد از آن
مقداری آب که در آن بریزد و بمالد و بعد از آن با آب خالص
بشویند دو مرتبه چنانچه اولی آنست که بعد از خاک
دو مرتبه با آب خالص بشویند و اگر ظرف باشد که خاک
نتوان بآن مالید پاک نمیشود علی الاحوط و هرگاه خوک
اطراف زبان ظرفرا نجس کند کمتر از هفت مرتبه اگر بشویند
پاک نمیشود و نجاست دیگر سه مرتبه با آب قلیل اگرچه
هر دفعه آب بریزند و بگردانند و بریزند و هم چنین
سبب ... خم یا ظرف خالی بزرگ یا حوض آب در اطراف
آن جاری کنند و در ته آب آنچه مجتمع شده اطراف پاکی

هر دفعه بریزند و از ته آن آخر آنرا بکوزه پاکی بکشند دفعه دوم و سیم
هم چنین کنند و اگر ته آن سوراخ باشد که هر دفعه غساله آن
بیرون رود تماما یا بتوان ظرفرا کج کرد و غساله را بیرون ریخت
هر دفعه پاک میشود مسئله هرگاه ظرف آب نجس با آن
باشد آب کر یا جاری با آن ممزوج شود بعلاوه اینکه پاک میشود
اگرچه آب جاری هنوز تجدد کرد هم نرسیده احوط تعدد است
و هم چنین هرگاه باران با آن ممزوج شود تعدد که بودی
زمین ... صلب جریان حاصل شده باشد علی الاحوط ...
ظرف نجس و هر چه فشار احتیاج ندارد بجریان باران پاک
پاک میشود بشرط نفوذ در آنچه محتاج به نفوذ است
مسئله آنچه تعدد و فشار ... بار باران باید
فشار و تعدد پاک نمیشود علی الاحوط مسئله
ظرفی که ... ندارد ... مثل ... و ...

[illegible] است

هرجائی که با آب قلیل شستن کفایت میکند احوط در آنجا زدن [illegible]

مسئله زمین نجسی که آب باطلاق در آن نفوذ میکند بمجرد

فرو کردن آب کر یا جاری یا باران بقسمی که فرو رود پاک میشود

اما با آب قلیل هرگاه صلب باشد زمین مثل سنگ و آجر دو شستن

بفرو دفعه غساله آب بجرود یا باکهنه یا کشیده بگیرند پاک میشود

و اگر زمین رخوه باشد مثل گل پاک نمیشود مسئله گوشت

و دنبه و پیه هرگاه ظاهر اینها نجس شود بدو شستن پاک

میشود اگرچه با آب قلیل باشد مسئله ظرف و دست هرگاه

[illegible] باشد باید چیزی که مانع باشد از رسیدن

آب [illegible] آب بآن چیز برسد پاک

میشود [illegible] نجاست چرب شده باشد

[illegible] نجس [illegible] در آن [illegible]

مسئله متنجسی که غساله اش نصاف بیرون آید پاک

نمیشود مگر آنکه آب مطلق بریزند باشد غساله اش فرود

نه آمده پاک نمیشود مگر رنگ نجاست باشد مثل خون

که باین حالت پاک میشود مسئله چیزی که آب نجس در آن

نفوذ کرده باشد باید خشک باشد آنرا بعد در جائی که تعدد

نجاسه بقسمیکه دو دفعه آب کر یا جاری در آن نفوذ کند بنا

بر احتیاط و اگر آب در آن نفوذ نکند باطنش پاک نمیشود

مسئله هرگاه آتش بکند از چیز نجس را پاک نمیکند مگر آنکه

خاکستر یا دود یا بخار کند اگرچه گوشت یا [illegible] دود آن بیرون

زغال هم احتیاط است مسئله هرگاه شخصی تقلید کند بمجتهدی

که غساله را پاک میداند [illegible] مجتهدی که نجس میداند

باید اجتناب کند اینکه نجس میداند از چیزی که [illegible]

به غساله نجس است و با عدم علم معاشرت با آن شخص [illegible]

مسئله هرگاه موی شخصی متنجس باشد و فراموش
کند ازاله آن را و وضو بسازد بعد نجاستش بیاید هر جا که علم
دارد که از رطوبت موضع نجس بآن رسیده باید موضع و وضو بشوید
و وضو را اعاده کند مسئله گوشت و دنبه متنجس که روغنش
گداخته نشده باشد نجس شود پاک میشود بدو شستن اگرچه
بآب قلیل هم باشد مسئله بول پسر شیرخوار که هنوز غذا خوار
نشده و شیر خنزیر و سگ و لحم نخورده و نجاست دیگر بآن
نرسیده بریختن آب بر آن پاک میشود لیکن بیکدفعه شستن کافیست
بلکه اعتبار تعدد اقوی است و هر دفعه جدا شدن غساله اش
احوط است مسئله خون کمی که بدست باشد شخصی
نمالد بزمین یا غیر زمین که خون ازاله شود پاک نیست بلکه
باید بآب شست و هم چنین است چیزهای صیقلی مثل شیشه
مسئله اگر خون در آب گوشت که میجوشد بریزد نجس

میکند هر چند قلیل باشد و اما آب و غیره اگر خون [illegible]
ازاله کنند پاک نمیشود مسئله آب حوض یا آب انبار که حوض
متنجس شده مثل حوض [illegible] معیوب است با تمام کنند مسئله
ذخیره حوض اگر در آب کمتر از کر برسد دفعتاً نجس میشود
مسئله حبی که متنجس شده ولی لوله آب باشد
و تو آب کر یا جاری بجوید که آب در آن نفوذ کند و رطوبت
بنا بر احتیاط و صفای بیشتر آن آب پاک میشود مسئله
هر گاه نمک یا نبات شیره خاک آن متنجس شود پاک میشود
اگرچه با آب قلیل بشوید مسئله آب ازاله هر گاه تغییر کرده
و تغییر رنگ و بو و مزه نجاست نداشته باشد و چیزی
نجاست در آن نباشد نجس نیست لیکن ناقض وضو
هم نخواهد بود مسئله دست غسل دهنده میت
بعد از تمام غسل بالتبع پاک است مسئله هرگاه چرک زیر
ناخن باشد شخص ازاله نجاست کند دست

که پاک شد آن هم پاک نمی‌شود مگر اینکه یقین کند که آب نجس
نفوذ کرده در آن چرک مگر این قدر پاک نمی‌شود احد بد
مسئله هر نجسی به جز آب دو مرتبه باید شست علی الاحوط
الاظهر که با آب قلیل سه مرتبه باید شست و قبل در آب
جاری یک مرتبه کفایت می‌کند مسئله ظرفی که زیر ما
دار هرگاه نجس شود باید به قسمی که ممکن شود فشار دهند
دو دفعه و دلک کردن تا پاک شود مسئله کشمش هرگاه
ظاهر آن است که سرخ کردن در روغن و در وسط طعام گذاشتن
عیب نداشته باشد و هم چنین است خرما و ماش و نخود
آن خصوصا اگر شیره آن بیرون بیاید و مستهلک نشود اشکال
است از جهة حلیت مسئله آب خرما که جوش آید بنا
بر احتیاط نجس است که نشود پاک نمی‌شود و هم چنین هرگاه
سرکه شود و هم آب انگور چنین بنا بر اقوی مسئله غذای پای

و نداند هرگاه جنب شود دو دفعه دهان را به آب کر یا جاری کنند
دیگر یک آب مطلق در آن نفوذ نمی‌کند یا محتاج به فشار دادن است
مثل آن است مسئله آب کر هرگاه ممزوج با آب نجس شود
دیگر علی و ... باشد در علی وجه لتنیم اگر تمام کرد بد ... نجسه
نمی‌شود تامل است مسئله زمین نجس که آب کر آن را
گیرد اگر تعدد باشد پاک است مسئله خون در دهان با آب
دهان مستهلک شود فرو بردنش حرام نیست بلا سفط ...
هم نیست احوط در روزه فرو نبرده است این احتیاط ترک نشود
مسئله غذا در دهان هرگاه خون بان برسد فرو بردنش جایز
نیست مسئله چیزی متنجس در ظرفی باشد آب قلیل بر آن بریزند
... فشار بود از جهت ظرف اگر کنند ... و بیفشارند غساله
آنش را جدا کنند و دیگر آب بر آن بریزند تا سه دفعه هم چنین
کنند پاک نمی‌شود حتی ... در صورت عدم نفوذ آب نجس
در آن دیگر شست دبالسبة استنکاف از بول بقطر تا بی معفو

و اخذ بود [illegible] حکم خشک شدن ندهی آنچه را که خشک شده [illegible]
موضع غساله از زمین بود اگرچه خشک هم شود پاک نیست بنا بر احتیاط
مسئله ظرف نجس که باران بر آن ببارد و جاری شود پاک میشود
اگر اول [illegible] بلکه دو چیز [illegible] احوط تعدد غسل و مالیدن خاک است
مسئله زمین آب گیر جاری هر دفعه که [illegible] نجس شل [illegible] است
و غالب فرو رود بکلی خشک [illegible] میشود مسئله آفتاب [illegible]
نجس با رطوبت بتابد و خشک کند و قدری دیوار هم خشک
شود متصل است پاک میشود آنچه را اختلاف کنند در طهارت
بوریا و حصیر با آفتاب [illegible] مسئله آب نجس در ظرف
باشد یا ظرف نجس آب در آن گذاشته [illegible] که باران بر آن
ببارد بقدری که [illegible] آب باران
متصل شود با اتصال در حال باریدن باران پاک میشود مسئله
هرگاه [illegible] و [illegible] نجس باشد [illegible] علم [illegible]

و باد [illegible] در ظرف مشغول بجوشیدن طعام باشد با رطوبت
سرایت محکوم به طهارت است در حق غیر با احتمال تطهیر مسئله
خون کمتر از درهم که عفو است در لباس و بدن
نیز عفو است مسئله دلو چاه هرگاه نجس شود مثل ظرف های
دیگر است تطهیر آن و اگر محتاج بفشار باشد فشار دهد
مسئله بو نجس یا چیزی که آب در مغز آن فرو رود که فشار ممکن [illegible]
هرگاه رطوبت نجاست سرایت کرده در آن خشک کنند
دو دفعه علی الاحوط و هر دفعه را بکر یا جاری فرو برند که آب
سرایت کند در آن [illegible] و اگر ظاهر [illegible] نجس شده باشد
با آب قلیل هم پاک [illegible] بشستن بنا
بر احتیاط مسئله [illegible] که فشار لازم دارد [illegible]
[illegible] فشار [illegible] اهل [illegible] احتیاط [illegible]
میکنند مسئله هرگاه [illegible] آب [illegible] نجاست باشد [illegible]
[illegible] اطراف [illegible]

پاک نشود و حکم نجاست ندارد مسئله چرک پای و بدن
زجنب نشود بنا بر اکثر و حتی پاک نشود نه غذای که پای
و بدن آن باشد فصل در نماز جماعت مسئله هرگاه شخص قضاء
یقینی ندارد و میخواهد احتیاطاً بجا بیاورد بجماعة مأموماً
میتواند اما قوت اقتدا در آن نماز احوط است مسئله
هرگاه مأموم تسبیحات اربع سه مرتبه باید بخواند و امام
یکمرتبه بخواند اقتدا باو نکند بنا بر احوط و اولی در اگر امام سه
بخواند قربةً الی الله اگرچه یکمرتبه را واجب بداند اگر اقتدا کند
ضرر ندارد مسئله مأموم در رکعت چهارم [illegible]
که در رکعت سیم فرادی شده بجهة فاصله شدن
نمازش صحیح است احوط و اولی اعاده است مسئله
هرگاه شخص نماز ظهر را بعصر امام اقتدا کند بقصد [illegible]
در دو رکعت آخر فرادی شود و نماز عصر هم با امام

اقتدا کند ضرر ندارد مسئله هرگاه شخص ایستاده
شک دارد که قصد اقتدا کرده یا نه اگر ظاهر است
حال اقتدا مثل سکوت وغیره احتیاط این است که
با قصد فرادی کند ویا عدول به مستحب کند اگر قضاء
یقینی ندارد و تمام کند یا قطع کند مستحب را پس از آن
اقتدا کند مسئله هرگاه مأموم پیش از امام سر از
رکوع یا سجود بردارد و باز برگردد عمداً بجهة متابعت
نمازش باطل است بلکه در این صورت بطریق اولی اگر برگردد
سهواً زیاد رکن شود مسئله اقوی این است
نماز است در صورتی که رکوع کند مأموم عمداً پیش از امام
در حالتیکه امام مشغول قرائت باشد و هم چنین اگر مأموم
پیش از خواندن ذکر رکوع عمداً سر از رکوع بردارد [illegible]
کند نماز را مسئله سر او از بلند است از برای مأموم در نماز
جهریه که صوت یا همهمه امام را نشنود که سکوت در

قرائت نکند بلکه احوط اینست که با طمأنینه باشد
و لهذا قرائت [illegible] مسئله هرگاه شخصی بداند که اگر اتفاقاً
بحمد مشغول شود نمیتواند که احوط اینست که صبر کند تا امام بحمد
مشغول شود و امام در رکوع امام تکبیر بگوید و برکوع برود مسئله
هرگاه شخصی در نماز نافله باشد که جماعت برپا شود
و اطمینان نداشته باشد از فوت یک رکعت اول جماعت مستحب
است از برای او قطع نافله هر چند پیش از تکبیر گفتن
امام باشد مسئله و در بودن از صفیکه نخواهد
بعد از آنکه با آنها متصل شود زیاده از یک رکوع شاید تقریباً
نباشد مسئله مأموم در بلندی قرائت امام نخواهد حقیقت
قرائت کند بر حقیقی است اما حمد را از نیت بکرد بقصد قرائت
بلند احوط اگر چه امام در سوره باشد مسئله هرگاه امام
بتسبیح از عجز بعضی مرتبه نخواند اما مأموم نمیداند که مشغول

بعضی مرتبه بخواند اقتدا کند صحیح نیست مگر زیاد در رکعت
تسبیح هر چه میتوان بخواند بنابر احوط مسئله امام که مشغول
تا نه نشده باشد از آن از برای نماز فرع مشغول
ندارد مسئله هرگاه شخص ندانست که رکعت چندم
است اگر در حمد و سوره مأموم بخواند الحمد لله خواند
در رکعت ثانی همچنین بخوانند حمد و سوره را خواند و ندارد
از حمد تمام نشده برکوع رفت بعد معلوم شد که رکعت
چهارم بوده احتیاطاً نماز را اعاده کند بعد از اتمام مسئله
بجز عدل واحد یا غیره هرگاه علم بعدالت شخص حاصل شود
در غیبت و بخبر عدلین یا اقتدا اگر دو نفر از مسلمین
که از احوال ایشان باخبر باشند و معلوم نماید یا ایشان
احوط در این صورت اعتبار اطمینان است و در ثوق
و احتمال دارد که مراد اطمینان از عبادات نفس باشد مسئله

[illegible] امام [illegible] باید بعد نماز از احتیاط اعاده

کند از برای مأموم همین با که نیت را اعلام کردن امام است

لازم نیست مسئلهٔ هرگاه امام در رکوع رفت و مأموم

در تسبیح اول است زیاده از یکبار آن قدر بخواند که تا

امام در رکوع است برسد بنابر احتیاط مسئلهٔ مأموم

مسبوق فراموش کرد حمد و سوره را امام که در رکوع رفت

[illegible] شد متابعت کند و احوط آنست که قصد

انفراد کند و حمد و سوره را بخواند مسئلهٔ مأموم یا در

رکعت سیم یا چهارم بخیال رکعت اول یا دوم حمد خواند

و در بین یا بعد بخاطرش آمد تسبیح بخواند انسب و در سابق گذشت

مسئلهٔ هرگاه مأموم در رکعت سیم یا چهارم فراموش

کرد تسبیحات اربع را بعد بخاطرش آمد که امام در رکوع

رفت اگر میتواند یکبار بخواند در رکوع با امام برسد و اگر نرسد یا چنین

فرادی کند یا یکبار بخواند و در رکوع برود و در سجده با امام برسد و احتیاطاً

نماز را اعاده کند یا یک تسبیح بخواند و متابعت کند و بعد احتیاطاً اعاده

کند مسئلهٔ ساقط است در دو رکعت اولین نماز جماعت

قرائت حمد و سوره از مأموم و هرگاه مأموم باید حمد و سوره بخواند

اخفات بخواند اگرچه نماز جهریه باشد مسئلهٔ باید اهل

جماعت بترتیب تکبیر بگویند خواه صف اول باشند

خواه غیر آن بقسمی که دورتر از مأموم پیش یا امام زیاده از یک قدم

نباشد احتیاطاً و اگر سابق مشغول تکبیرات مستحبه یا مشغول

نیت کردن باشد چنانچه در آن وقت دست بالا میبرند

به نیت کردن لاحق نمیشوند [illegible] مسئلهٔ هرگاه مأموم در نماز

جهریه هیچ صوت امام را نشنود در قرائت خود بخواند بقصد

قرآنیت مطلقاً نه بقصد جزئیت [illegible] اگر تمام نکرده [illegible] امام برکوع رفت

[illegible] بود و اگر [illegible] بخاطرش آید بخواند [illegible] برسد

و در بیت خواندن کجا که صوت امام را بشنود احوط آنست
که همینکه صوت امام را بشنود فی الجمله ترک قرائت کند و اگر صوت
امام را نشنود گوش کند و اگر نماز اخفاتی باشد ذکر بگوید و اذکار
سبحان الله گفتن است و قرائت خواندن مکروه است
مسئله نماز را میتوان قطع کرد در فریضه با جماعت
جماعتی که در حال شخص فریضه را فرادی کرد میتوان نماز مستحباً
بجماعت اعاده کند بشرط آنکه قضاء یقینی بر ذمه نداشته
باشد مسئله مأموم در غیر رکعت اولش هم حیثما ادرک
به رکوع رسیده که امام را نیت شده خود را رکوع برود و در سجده با
بوده باشد اگرچه سجده دوم هم باشد و هم چنین است در رکعت
اول اگر در حال قیام امام تکبیر بگوید و احوط در این صورت قصد
فرادی است یا بعد از اتمام اعاده است مسئله اگر بیقین
از امام سهوا سلام واجب گفت احوط آنست بعد از نماز
باز بگوید دو سجده سهو قربة الی الله بجا بیاورد و اگر عمداً

گفت به قصد انفراد احتیاطاً نماز را اعاده کند مسئله هر گاه در مسجد
وارد شوی که یک امام راتب دائمی در مسجد در نماز باشد
یا فارغ شده باشند و در تعقیب باشند و تو خواهی فرادی
نماز کنی و نماز تو مطابق باشد با نماز ایشان ولو بقضاء بلاکراهت
هم باشد چه دور باشی و چه نزدیک که یک مجلس باشد
و گاه چه پیش باشی از ایشان چه عقب و چه با جد جانب
ایشان اذان و اقامه مگو که جایز نیست اگرچه امام جماعت را
هم نشناسی مسئله شخصی که نماز قضاء یقینی بر ذمه
داشته باشد نماز مستحب را ترک کند بنا بر احوط و اگر در نماز
واجبی باشد خواسته باشد عدول به مستحبی کند که در جماعت
کند نمیتواند بنا بر احتیاط و در عدول بقضاء در غیر صبحیات
نسیان اشکال است مسئله شک امام با امام
و مأموم اعتبار ندارد مگر آنکه مأموم شک بحدی
عود کند مثل آنکه شک کرد که من یک سجده کرده ام یا دو سجده

اعتبار ندارد یک سجده دیگر بکنند هر چند بعضی در هر دو صورت [illegible] از نماز
صحیح ترکعات مسئله امام در رکعت سیم سوره حمد نخواند
و مأموم رکعت دویمش باشد باید او هم حمد و سوره نخواند یا حمد را
و اگر دو رکعت نتواند نخواند بدل بیاورد یا تکرار کند یا ذکر
نخواند بقاعده که هست در محل خود مسئله مأموم سر از سجده
برداشت دید که امام در سجده است متابعت کرد بعد
معلوم شد که سجده دویم امام بوده سجده دیگر بجا آورد بعد از
اتمام احتیاطاً نماز را اعاده کند مسئله مأموم شش تکبیر افتتاحی
پیش از تکبیرة الاحرام امام نتواند گفت مسئله هرگاه شخص
داند به جماعت به نیت [illegible] نداند که چه نماز است قضا است
یا اداء جهریه است یا اخفاتیه است اقتدا کند خوب نداند مسئله
هرگاه شخص نماز [illegible] استفاده اگر در قیام شک کرد
که این رکعت سیم است یا چهارم صبر کند تا امام رکوع [illegible]

سجده تعیین را بجا بیاورد پس معلوم شود [illegible] ندارد مسئله
نماز آیات هر یک به دیگری اقتدا [illegible] کرد و لازم
نیست که امام اعلام کند مأمومین را که چه نماز است [illegible] اما
اگر به رکوع اول نرسید در آن رکعت نگرده صبر کند یا رکعت
دیگر هرگاه امام بعضی سوره بنا داشت فراموش کرده
نخواند به رکوع رفت [illegible] بر احتیاط است در هر نمازی که
[illegible] باقی است ولهذا اذان
است و از برای [illegible] اگر بجا بیاورد این نماز را نیت
قربة کفایت میکند مسئله شخص در [illegible] رکوع [illegible]
شک میکند که امام رکوع بود رسیدم یا نه [illegible]
شکستش و با جماعت است مسئله [illegible] برای [illegible]
[illegible] میان مردان و زنان خود ندارد مسئله شخص
عادل و [illegible] به [illegible] اما اگر تو به
کند باز عادل است مسئله مأموم پیش از امام تکبیر گفت
بعد ملتفت شد یا عدول به فرادی کند یا عدول به [illegible]

کند اگر قصد [illegible] خود عید آید وقطع کند و تکبیرة الاحرام را بعد
از امام بگوید [illegible] نماز [illegible] باطل است مسئله نماز جماعت مستحب
موکد است در جمیع نمازهای واجبی خصوصا نمازهای یومیه
و جماعت در هیچ نماز واجب نیست مگر در نماز جمعه و عید چون
بشرائط و کسیکه قرائتش صحیح نیست با قدرت یاد گرفتن
آن مسئله بلکه نیت جماعت کردن نمازهای مستحب اصل
شرع واجب بوده باشد و بعد مستحب شده مثل نماز عید چون
در زمان غیبت و نماز واجبی که قضا کرده شود از غیر [illegible]
با نماز احتیاطی که کرده باشد و شخص مستحبا خواهد بجماعت
ادا و قضا مسئله [illegible] هر یکرا به دیگری اقتدا [illegible]
[illegible] عکس آن صلوة جهریه با اخفاتیه و عکس آن
نیز جایز است [illegible] عصر را با تمام و عکس آن بلکه نماز طواف [illegible]
و عکس آن بجماعت میتوان کرد اما نماز مستحبی بجماعت
نمیتوان کرد مگر نماز طلب باران مسئله نماز مستحبی که بنذر

واجب شده باشد و نماز احتیاط در شک ها نمیتوان بجماعت کرد
بنا بر احتیاط و اگر امام و مأموم شریک باشند در شک در عدد
رکعات نماز احتیاطی آن شک را بجماعت میتوان کرد و
مسئله بدون نیت [illegible] جماعت منعقد نمیشود [illegible]
[illegible] میتوانند اقتدا بکنند [illegible] نمیتوانند اقتدا بکنند
مسئله هرگاه امام در رکوع [illegible] رکوع را تمام کرده باشد
و مأموم برسد خوب است و اگر در رکوع با امام [illegible] باشد
یا شک داشته باشد که رسیده یا نه نماز او باطل است [illegible]
احتیاطا متابعت کند و رکعت دیگر [illegible]
و تکبیر بگوید و [illegible] است [illegible]
که در حال رکوع امام رسیده است [illegible] نماز را تمام
کند و بعد اعاده کند مسئله اگر شک داشته باشد
برکوع رسیده است یا نه [illegible] تکبیر بگوید که اگر نرسیده باشد قصد
[illegible] تا امام از سجده فارغ شد

مسئله باید طرف جلو بود برکت اول که از خود قرار حمید هم مثبت

اول مأموم تا بیت امام را ببینند و اگر مأمومین حایل باشند خود

ندارد و شیخ تا بعد باید صف پیش خود را ببینند بنا بر احتیاط

و اگر جماعت صف خود را ببینند کفایت نمیکنند بنا بر احتیاط

و باید در همه حالات نماز با معنی اگر نخواهند ببینند بکرزنی که

باشد مرد باشد حایل پیش خود ندارد مسئله اگر حایل

باشد که دیده شود خود ندارد اما اگر شیشه باشد احوط

اجتناب است مسئله اگر در بین نماز حایل پیدا شد و ماند

نماز جماعت باطل است اما اگر بکذرد مثل حیوانی یا آدمی خود

ندارد مسئله باید جای ایستادن امام زیاده از یک وجب متعارف

بلند تر از جای مأموم نباشد مگر احوط اما سراشیب تدریجی

باکی نیست و بلند تر بودن جای مأمومین از جای امام

ضرر ندارد مسئله ابو حنیفه جماعت باید در بودن مأموم

طرف امام یا از مأمومین الفقه که دوری بیشتر باشد لکن

احوط است که از جای ایستادن امام تا جای سجده مأموم

بیشتر از یک ذرع شاه تخمینا فاصله نباشد و همچنین بین

صفوف مأموم و اگر در بین نماز فاصله حاصل شود زیاده از

مقدار مقدر فرادی کند بنا بر احوط مسئله در صحت فرادی

شدند دیگر عدول بجماعت نمی‌شود کرد مسئله جایز نیست

که مأموم پیشتر از امام بایستد بلکه در همه حالات مأموم قدری

پست تر از امام باشد حتی در سجود هم کفایت میکند مسئله

شخص در جماعت اگر قصد اقتدا نکند و حمد و سوره نخواند

یا سکوت طویل بشود نمازش باطل است اگرچه شرط آن نماز هم

بجماعت کرده نباشد مثل نماز یومیه مسئله باید به شخص

عادل واحد اقتدا کرد و اگر فاسق بداند یا ببینند سهو او را

اقتدا نکند که نماز شخص باطل است مسئله اگر تمام عمل

کنند که امام عادل است تا کنند که غیر او امام میکند در اول به صغیره نداند

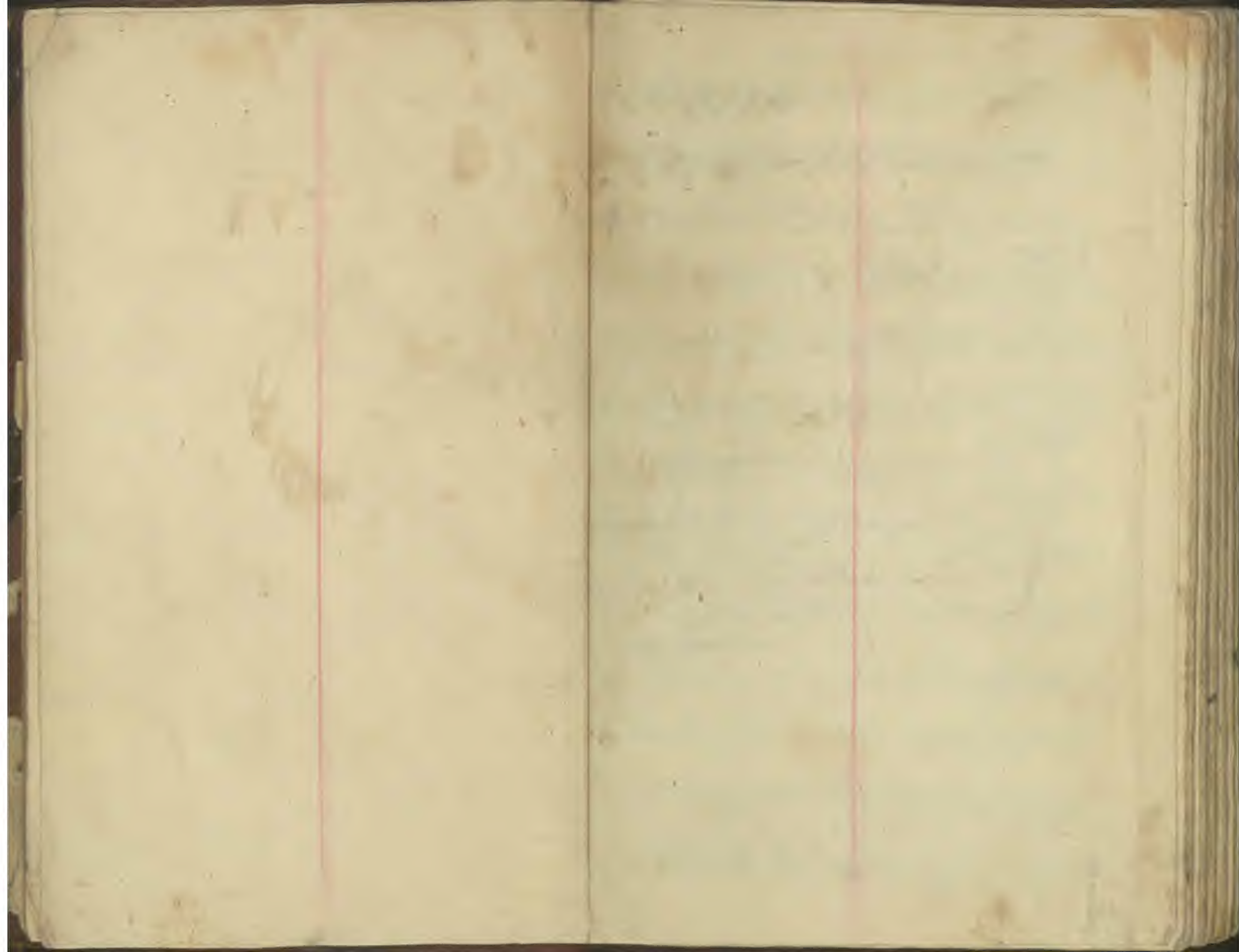
یا محسن ظاهرش منقصت حاصل کند که عدالت در او هست
منع میکنند از اینکه مرتکب شدن به گناه کبیره و نه اعتنای
در دین ندارد یا اینکه دو عادل خبر بحال او بدهند و منقصت طایفه
که با هم معتبرین در دین با او اقتدا کنند و در اکتفاء کردن
بمظنه بدون حصول وثوق اشکال است یا علم بعدالت
اش حاصل کند اقتدا کند مسئله اگر اقتدا با امام حاضر کردی
که عادل بود اقتدی و بعد معلوم شد که او کافر بود یا غیر
او است اما این هم عادلست نمازت صحیح است و اگر به شخص
معین با اسم اقتدا کردی بگمان اینکه حاضر است بعد معلوم
شد که غیر اوست اگرچه او را هم عادل بدانی نمازت باطلست
اگرچه در بین نماز هم باشی مسئله اگر در بین نماز عذری از برای
امام بهم رسد مأموم باقی نمازش عدول با امام دیگری میتواند
کرد و یا فرادی مسئله جایز است از برای مأموم در حال
اختیار عدول به فرادی کنند اگرچه در اول هم قصدش

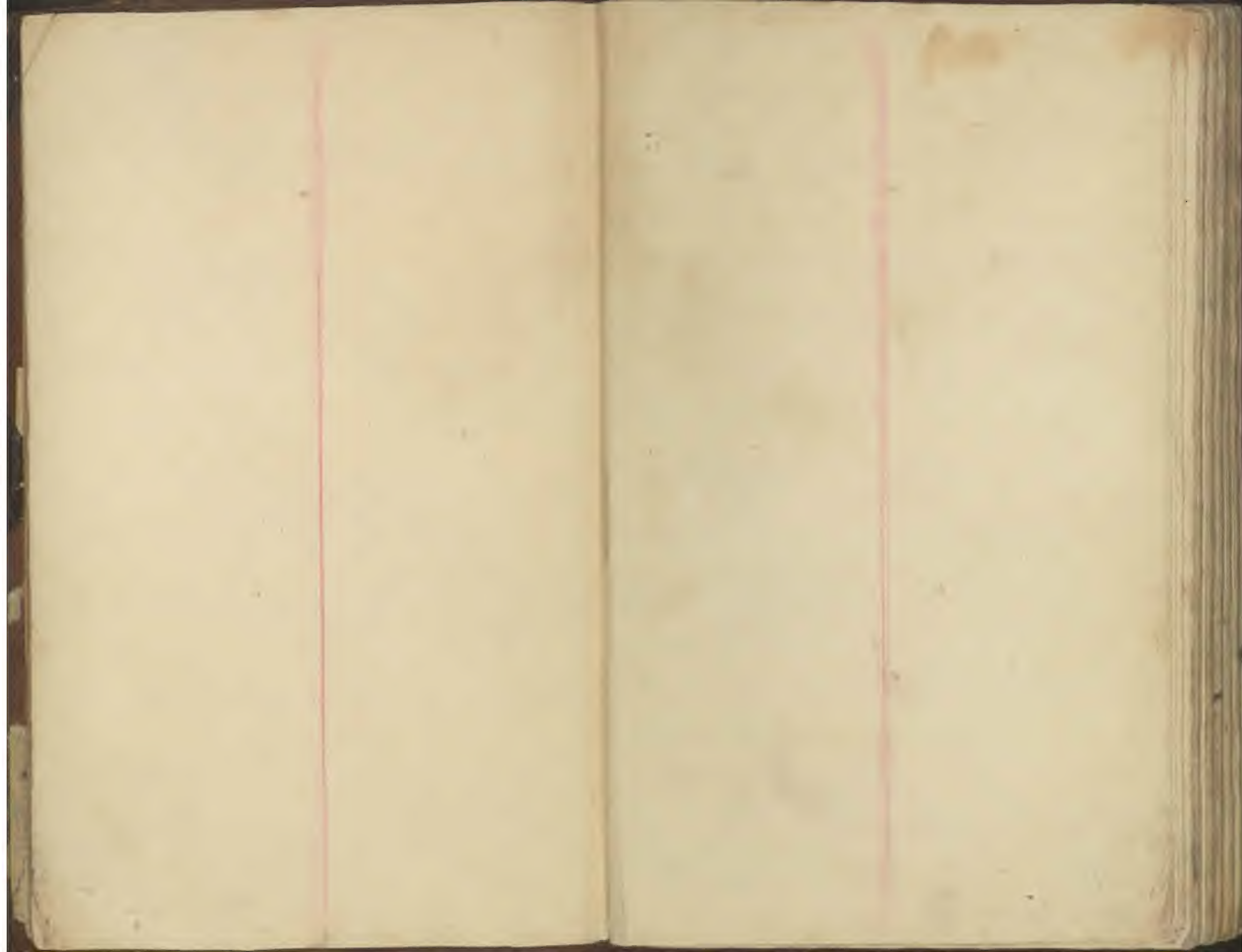
نکند و در رکعت [illegible] مستحب است از برای مأمومین فضیلت
حمد و سوره در رکعت اول و دوم حتی در صلاة جهریه که صوت
امام را بشنوند بلی اگر نشنوند اصلاً نه همهمه قرائت
نخوانند حمد و سوره را و اگر بخوانند هم خوب ندارد و اگر صلاة
اخفاتی باشد مستحب است که مشغول شوند بذکر مثل سبحان
الله و الحمد لله و صلوات و اولی تسبیح است مسئله اگر امام
در قنوت باشد که مأموم تکبیر بگوید مستحب است متابعت
کند بخواندن قنوت لیکن نه بقصد جزئیت و هم چنین
در تشهد هم متابعت کند اما نشستن تجافی احوط است
و در رکعت دوم خودش قرائت را اخفات کند اگرچه
صلاة جهریه هم باشد و در رکعت آخر امام اختیار دارد
میتواند متابعت تا سلام واجب نماید و اگر بخواهد بعد
سر از سجده که بود است [illegible] نماز خود را تمام کند مسئله
جایز نیست تقدم امام در افعال نماز خود را بر افعال نماز

در نماز جماعت

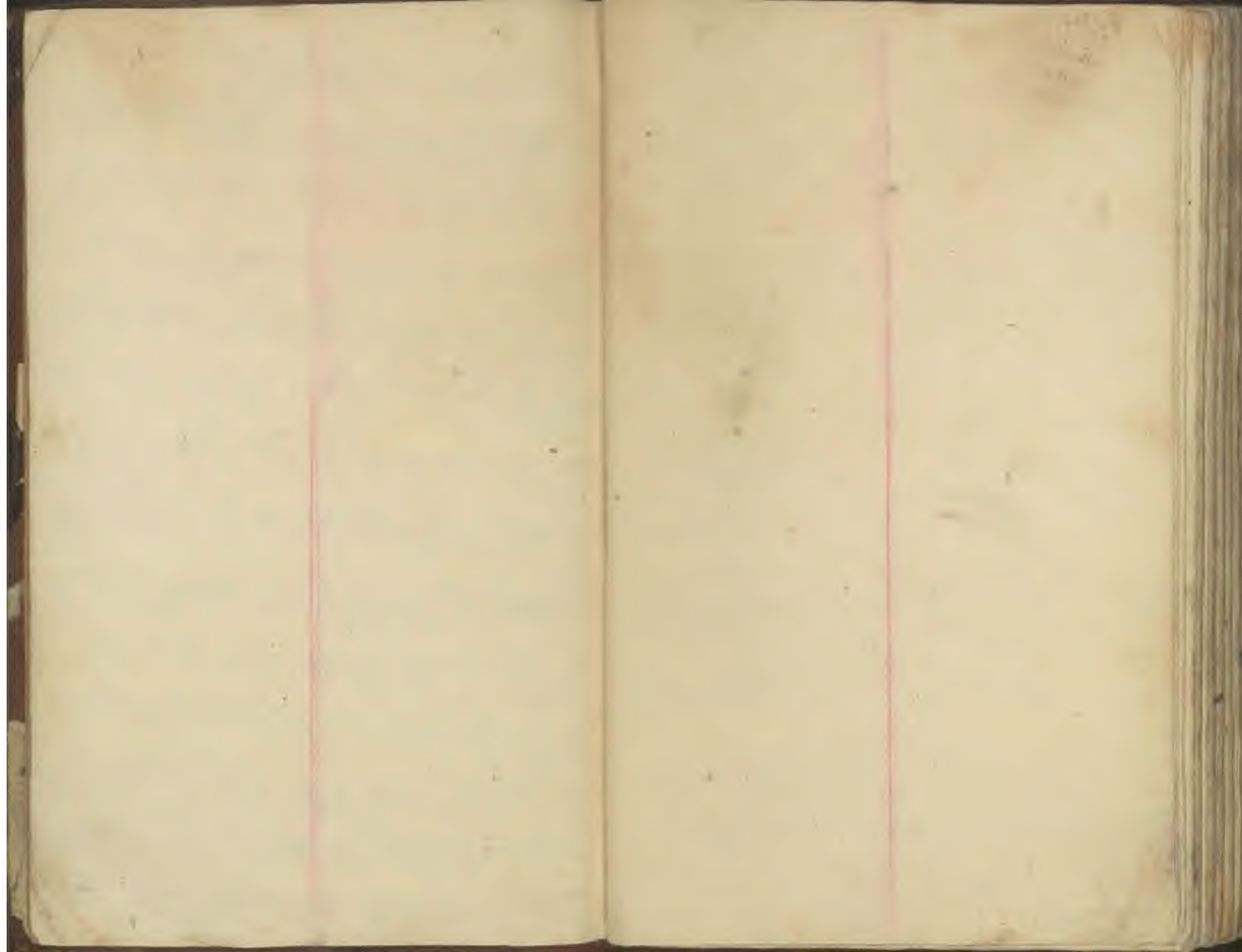
امام چنانچه جایز نیست تأخیر افعال نماز خود از افعال امام
امام عمداً تا تأخیر فاحش و اگر عمداً پیشی گیرد گنهکار است
و نماز کردن او با جماعت با تقدم عمدی و تأخیر فاحش محل
اشکال است و احوط استغفار است و احوط از آن اعاده
نماز است و اگر سهواً پیشی کند مثل اینکه پیش از امام
به رکوع رود مسئله اگر ممکن باشد یکمرتبه دیگر واجب است رکوع اگر بجا
نمازش صحیح است هرچند احوط اعاده نماز است
در صورتی که پیش از امام از رکوع سهواً راست شد متابعت
کرده دوباره تا رفت به رکوع و متابعت کند امام باو رسید
ضرر ندارد و اما اگر عمداً بماند و متابعت نکند گنهکار است
واقعی صحیح و احوط اعاده نماز است و اگر تا رفت به رکوع
امام باو رسید خود ندارد و بهمان حالت باشد مسئله
متابعت در اقوال واجب نیست مگر اینکه بشنود صوت امام

احتیاط ... بشنود نداند بلکه از هر طریق که علم باقوال امام داشته
باشد متابعت احوط است و اما اگر سهواً چیزی از تشهد
انشاء و ... را بقصد قربت اعاده کند مسئله واجب است
تکبیرة الاحرام بعد از امام بگوید و همچنین است سلام قبل
اما هرگاه سلام را عمداً پیش از امام بگوید احتیاطاً نماز را
اعاده کنند مگر اینکه قصد فرادی کنند و بگویند و اگر سهواً
پیشتر بگوید احتیاطاً بعد از امام باز بگوید و دو سجده سهو
به نیت قربت بجا آورد مسئله هرگاه امام بعضی از قرائت
قرائت به دو درست خواندن نداشته باشد و ماموم درست
بخواند قصد اقتدا نکند









فأقبل إليهم وقال السلام عليك يا رسول الله
السلام عليك يا من اختاره الله أتأذن لي أن أدخل
معكم تحت الكساء قال نعم فدخل معهم قالت
فاطمة فدنوت نحو الكساء وقلت السلام عليك
يا أبتاه يا رسول الله أتأذن لي أن أدخل معكم تحت
الكساء قال نعم فأذنت لك يا فاطمة فدخلت فلما
استكملنا قال الله عز وجل يا ملائكتي ويا سكان سماواتي
وعزتي وجلالي ما خلقت سماء مبنية ولا أرضاً
مدحية ولا قمراً منيراً ولا شمساً مضيئة ولا
فلكاً يدور ولا بحراً يجري ولا فلكاً يسري إلا لأ
جل هؤلاء الخمسة الذين هم تحت الكساء فقال ا
لأمين جبرائيل عليه السلام يا رب ومن تحت الكساء
قال هم فاطمة وأبوها وبعلها وولداها فقال الأمين
جبرائيل عليه السلام يا رب أتأذن لي أن أهبط إلى

الأرض لأكون معهم سادساً قال نعم قد أذنت لك
فنزل الأمين جبرائيل وقال السلام عليك يا رسول الله
العلي الأعلى يقرئك السلام ويخصك بالتحية والإكرام
ويقول يا ملائكتي ويا سكان سماواتي وعزتي وجلالي
ما خلقت سماء مبنية ولا أرضاً مدحية ولا قمراً منيراً
ولا شمساً مضيئة ولا فلكاً يدور ولا بحراً يجري ولا
فلكاً يسري إلا لأجلكم ومحبتكم وقد أذن لي أن أدخل
معكم فهل أنت تأذن لي يا رسول الله فقال نعم قد أذنت
لك فدخل معهم وهو يقول إن الله عز وجل قد أوحى
إليكم ويقول إنما يريد الله عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم
تطهيراً فقال علي عليه السلام يا رسول الله ما لجلوسنا هذا
من الفضل عند الله عز وجل قال رسول الله صلى الله عليه
وآله وسلم والذي بعثني بالحق نبياً واصطفاني بالرسالة
نجياً ما ذكر خبرنا هذا في محفل من محافل أهل الأ

بسم الله الرحمن الرحيم
هذا حديث الكساء آل العباء
[illegible]

وفي المنتخب الكبير عن فاطمة الزهراء عليها السلام
قالت دخل علي رسول الله صلى الله عليه
وآله وسلم فقال يا فاطمة اني لاجد في بدني
ضعفا فايتيني بالكساء اليماني فغطيني به قالت
فغطيته به فصرت انظر الى وجهه واذا به
يتلألأ كالبدر في ليلة تمامه وكماله فما كانت
الا ساعة واذا قد اقبل الحسن عليه السلام وقال
السلام عليك يا اماه قلت وعليك السلام يا ولدي
ويا قرة عيني قال يا اماه اني لاشم عندك رائحة
طيبة كانها رائحة جدي رسول الله صلى الله عليه
وآله قلت نعم هاهو قائم تحت الكساء فاقبل اليه

وقال السلام عليك يا جداه ويا رسول الله اتأذن لي
ان ادخل معك تحت الكساء قال نعم فدخل معه
ثم اقبل الحسين عليه السلام وقال السلام عليك يا اماه
فقلت وعليك السلام يا ولدي ويا قرة عيني قال
يا اماه اني لاشم عندك رائحة طيبة كانها رائحة
جدي رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فقلت نعم هاهو
مع اخيك الحسن قائمان تحت الكساء فدنى منهما
وقال السلام عليك يا جداه يا رسول الله اتأذن ان
ادخل معكما تحت الكساء قال نعم فدخل معهما ثم
اقبل امير المؤمنين عليه السلام وقال السلام عليك يا فاطمة
يا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قلت وعليك
السلام يا ابن عم رسول الله قال يا فاطمة اني لاشم
عندك رائحة طيبة كانها رائحة اخي وابن عمي رسول
الله فقلت نعم هاهو قائم مع ولديك تحت الكساء

دوزنده حالت ناقوس اوله‌لی قون
جرلو کلوبم جوق ششته قون
ویرار اوده‌وده غم وار قون
بوجسم وجانم شرر اوادر

اوزون بلوری له کج عللیم
وقالو قاروش سر حللیم
نسا قبیلیم
قوبلیه بالقوز
ایده‌لر غم سفر اوادر

بوکل اولدوردر سر حلیم
وارقه کلش دلهنده بولنلم
بورده بلبل فی لقبنا اولنلم
کلنج سندن خر اوادر

بولکلو بنده نازدر خیالون
بالقوب غبار غم عالونه
اولورلر اربع بت وصالون
که نورازه مستور اوادر

اولدر بیان خواردم بلیم
لسان عیب اولمیه حسد
سبب اولان اولدرا حرب
سز نار اوادر

بوجه
بیزرا

بالودنده قانه اوغول الف عرب خیالنم
الحر ورارس لوحالت ارالونا
اعوندده تاقونا اوعول
لیده بخ تواقوقه اوعول

لیدجه فیملاره
جارجه قونه اوغول


کتابخانه مجلس

